نقد سه‌سطحی سیاست جنایی ایران در قبال فرزندکشی
(از چالش تقنینی ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی تا خلأهای ساختاری)

A Three-Level Critique of Iran's Criminal Policy on Filicide: (From the Legislative Challenge of Article 301 of the Islamic Penal Code to Structural Gaps)

پذیرفته‌شده در انتظار انتشار ویراستاری‌نشده
Accepted | Awaiting Publication | Unedited

چکیده

فرزندکشی، به‌عنوان شدیدترین جلوه فروپاشی کارکرد حمایتی خانواده، نظام عدالت کیفری و سیاست جنایی هر کشور را با چالشی جدی مواجه می‌سازد. در نظام حقوقی ایران، ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) که با استناد به قاعده فقهی «لایقاد الوالد بولده» پدر را از قصاص در قتل عمدی فرزند معاف می‌داند، مهم‌ترین چالش تقنینی در مواجهه با این پدیده به شمار می‌رود. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر چارچوب نظری «سیاست جنایی سه‌سطحی» (تقنینی، قضایی و ساختاری) و «مدل تعاملی سه‌سطحی» (عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی-فرهنگی)، به نقد نظام‌مند سیاست جنایی ایران در قبال فرزندکشی می‌پردازد. یافته‌های پژوهش که از طریق تحلیل اسنادی قوانین، رویه‌های قضایی قابل دسترس (شامل هشت پرونده شاخص و داده‌های آماری) به دست آمده است، نشان می‌دهد سیاست جنایی ایران در سه سطح با نارسایی‌های بنیادین مواجه است: اول، در سطح تقنینی، ماده ۳۰۱ به دلیل عدم تناسب جرم و کیفر، بازدارندگی ناکافی و ناسازگاری با استانداردهای بین‌المللی حمایت از کودکان، فاقد کارآمدی لازم است؛ دوم، در سطح قضایی، فقدان رویه واحد و اعمال حداقل مجازات‌ها به نابرابری احکام انجامیده است (از ۸ سال حبس تا ۱۰ سال حبس در پرونده‌های مشابه)؛ و سوم، در سطح ساختاری، سیاست جنایی ایران عمدتاً واکنشی و کیفرمحور باقی مانده و از اقدامات پیشگیرانه غفلت کرده است. تحلیل عمیق‌تر، وجود یک «پارادوکس ساختاری» را نشان می‌دهد: گفتمان جهانی «الغای اعدام» و گفتمان داخلی «نقد معافیت پدر»، در دو سطح متفاوت عمل می‌کنند و به یک سیاست جنایی دوگانه می‌انجامند. در نهایت، الگوی اصلاحی پیشنهادی این مقاله، به عنوان بسته‌ای جامع برای تقویت حمایت کیفری از کودکان، بر الگوی پنج‌لایه (پیشگیری اولیه، کشف و گزارش، تعقیب و کیفر، حمایت از بزه‌دیده و پایش و ارزیابی) و نهاد هماهنگ‌کننده «ناوران کودک» استوار است. نوآوری مقاله در عملیاتی‌ساختن رویکرد سیاست جنایی سه‌سطحی، تلفیق آن با مدل تعاملی سه‌سطحی جرم‌شناختی، و ارائه الگوی بومی‌سازی‌شده با تکیه بر تجربه کویت و سایر نظام‌های حقوقی است.

واژگان کلیدی: فرزندکشی؛ سیاست جنایی سه‌سطحی؛ ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی؛ خلأهای ساختاری؛ مدل تعاملی سه‌سطحی

Abstract:

Filicide, as the most severe manifestation of the breakdown of the family's protective function, poses a serious challenge to the criminal justice system and criminal policy of any country. In Iran's legal system, Article 301 of the Islamic Penal Code (2013), which—based on the jurisprudential rule of "Lā yuqād al-wālid bi waladihi"—exempts the father from Qisas (retribution) in the intentional killing of his child, is considered the most significant legislative challenge in addressing this phenomenon. Adopting a descriptive-analytical approach and drawing upon the theoretical framework of "three-level criminal policy" (legislative, judicial, and structural) and the "three-level interactive model" (individual, familial, and socio-cultural factors), the present study provides a systematic critique of Iran's criminal policy on filicide. The findings, obtained through documentary analysis of laws and accessible judicial practices (including eight landmark cases and statistical data), reveal that Iran's criminal policy suffers from fundamental deficiencies at three levels: first, at the legislative level, Article 301 lacks the necessary efficacy due to the disproportionality between crime and punishment, insufficient deterrence, and inconsistency with international child protection standards; second, at the judicial level, the absence of uniform practice and the imposition of minimum penalties have led to disparities in sentencing (ranging from 8 to 10 years of imprisonment in similar cases); and third, at the structural level, Iran's criminal policy has remained predominantly reactive and punitive, neglecting preventive measures. A deeper analysis reveals a "structural paradox": the global discourse on the "abolition of the death penalty" and the domestic discourse on "critiquing paternal exemption" operate at two different levels, resulting in a dual criminal policy. Ultimately, the reform model proposed in this article, as a comprehensive package to strengthen the penal protection of children, is built upon the "five-layer model" (primary prevention, detection and reporting, prosecution and punishment, victim support, and monitoring and evaluation) and the coordinating institution of "Child Guardians" (Nawaran-e Koodak). The originality of this article lies in operationalizing the three-level criminal policy approach, integrating it with the three-level interactive criminological model, and offering a localized model based on the experience of Kuwait and other legal systems.

Keywords: Filicide; Three-Level Criminal Policy; Article 301 of the Islamic Penal Code; Structural Gaps; Three-Level Interactive Model.

Accepted | Awaiting Publication

مقدمه

فرزندکشی در بستر خانواده از پیچیده‌ترین گونه‌های بزه‌دیدگی است که اگر توسط والدین انجام شود، نمایان‌گر شدیدترین تجلی فروپاشی کارکرد حمایتی خانواده خواهد بود. در این وضعیت، فردی که قانون و ساختار خانواده او را در جایگاه حمایت از کودک قرار داده، خود بزرگ‌ترین تهدید علیه حیات کودک را شکل داده است. ازاین‌رو، فرزندکشی نه‌تنها جرمی علیه حیات، بلکه چالشی بنیادین برای کارآمدی نظام عدالت کیفری و سیاست جنایی به‌ویژه در حمایت از کودکان است. پرسش بنیادین آن است که نظام حقوقی ایران در برابر این پدیده، چه واکنشی نشان می‌دهد و آیا این واکنش از بازدارندگی، تناسب و کارآمدی حمایتی لازم برخوردار است؟

منظور از «فرزندکشی» در این پژوهش، قتل عمدی کودک توسط پدر یا جد پدری است و شامل سقط جنین، قتل غیرعمدی و سایر اشکال مرگ‌ومیر کودک نمی‌شود. این تحدید دامنه، ناشی از تمرکز مقاله بر ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی است که معافیت از قصاص را صرفاً برای «پدر و جد پدری» پیش‌بینی کرده و مادر را شامل نمی‌شود. بنابراین، تحلیل تقنینی، قضایی و جرم‌شناختی این پژوهش، عمدتاً بر فرزندکشی توسط پدر و جد پدری متمرکز است و بررسی تفصیلی فرزندکشی توسط مادر، به‌عنوان یکی از محدودیت‌های پژوهش و زمینه‌ای برای تحقیقات آینده پیشنهاد می‌شود.

در نظام حقوقی ایران، این چالش به‌ویژه در پرتو قاعده فقهی «لایقاد الوالد بولده» و بازتاب آن در ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) نمایان می‌شود. بر اساس این ماده، قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی‌علیه نباشد. بنابراین، پدر یا جد پدری در صورت قتل عمدی فرزند یا نوه، مشمول قصاص نمی‌شود و حسب مورد به دیه و تعزیر خواهد بود. این حکم به‌عنوان استثنایی بر اصل قصاص، قابل تسری به مادر نیست (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۹: ۲۵؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ٤۲۸). مسئله اصلی پژوهش آن است که آیا سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران، با وجود این محدودیت، توانسته است پاسخ متناسب، بازدارنده و حمایتگرانه به فرزندکشی ارائه دهد یا نارسایی‌هایی مواجه است که حمایت کیفری از کودکان را تضعیف می‌کند.

بر این اساس، پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر چارچوب نظری «سیاست جنایی سه‌سطحی» (تقنینی، قضایی و ساختاری) و «مدل تعاملی سه‌سطحی» (عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی-فرهنگی)، به نقد نظام‌مند سیاست جنایی ایران در قبال فرزندکشی می‌پردازد. نوآوری مقاله در عملیاتی‌سازی رویکرد سیاست جنایی سه‌سطحی و تلفیق آن با مدل تعاملی سه‌سطحی جرم‌شناختی است. برخلاف پژوهش‌های پیشین که عمدتاً بر تحلیل فقهی قاعده «لایقاد» یا جرم‌شناسی خانواده متمرکز بوده‌اند، این مقاله بر نقد نظام‌مند قوانین و رویه قضایی ایران و ارائه الگوی پنج‌لایه (بازنگری ماده ۳۰۱، اصلاح ماده ٦۱۲، ایجاد رویه واحد، تقویت پیشگیری) تمرکز دارد.

۱. پیشینه پژوهش: موضوع فرزندکشی و سیاست جنایی مرتبط با آن در ادبیات حقوقی و جرم‌شناختی ایران کمتر از حد انتظار واکاوی شده است. بررسی انتقادی پژوهش‌های پیشین، آنها را در سه دسته قابل تقسیم می‌کند:

۱-۱. پژوهش‌های فقهی-حقوقی: این دسته عمدتاً به بررسی قاعده «لایقاد» و ماده ۳۰۱ ق.م.ا در چارچوب فقه امامیه پرداخته‌اند و ابعاد جرم‌شناختی، نارسایی‌های رویه قضایی و پیامدهای عملی معافیت پدر را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند (نورالدینی و پاوند، ۱٤۰٤؛ احمدی و ضیا، ۱۳۹۹). هرچند این پژوهش‌ها در تبیین مبانی فقهی حکم ارزشمندند، کارآمدی سیاست جنایی ناشی از آن را در بستر اجتماعی معاصر ارزیابی نکرده‌اند و به تحلیل نظام‌مند سه‌سطحی (تقنینی، قضایی و ساختاری) نپرداخته‌اند.

۱-۲. پژوهش‌های جرم‌شناختی: اگرچه به بزه‌دیدگی کودکان در حوزه‌های مختلف اشاره داشته‌اند، کانون اصلی آنها بیشتر بر «بزهکاری اطفال و نوجوانان» متمرکز بوده و بزه‌دیدگی کودکان در بستر خانواده، به‌ویژه در شکل خاص آن یعنی فرزندکشی، کمتر موضوع تحقیق قرار گرفته است (صیاد، ۱۳۹٤؛ فیروزبخت، ۱۳۹۹؛ چراغی کوتیانی و سقای بی‌ریا، ۱٤۰۲). این پژوهش‌ها

در شناسایی عوامل خطر مؤثرند، اما پیوند این عوامل با ناکارآمدی نظام پاسخ‌دهی کیفری را کمتر بررسی کرده‌اند و مدل تعاملی سه‌سطحی (عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی–فرهنگی) را به عنوان چارچوب تحلیلی به کار نگرفته‌اند.

۳–۱. پژوهش‌های سیاست جنایی: در سال‌های اخیر به ضرورت بازنگری در حکم معافیت پدر از قصاص اشاره کرده‌اند، اما در منابع بررسی‌شده، نقدی که هم‌زمان و نظام‌مند نارسایی‌های تقنینی، نمونه‌های قابل دسترس از رویه قضایی و سازوکارهای پیشگیرانه را بررسی کند، کمتر دیده می‌شود (رهنما، ۱۴۰۳؛ کوشا و رجب‌زاده، ۱۴۰۴). این پژوهش‌ها عمدتاً بر اصلاح حکم یا ماده‌ای خاص متمرکز بوده و کمتر به ارائه الگوی تلفیقی پنج لایه (بازنگری ماده ۳۰۱، اصلاح ماده ٦١٢، ایجاد رویه واحد، تقویت پیشگیری) پرداخته‌اند.

خلأ پژوهشی: در منابع بررسی‌شده، کمبود مطالعات جامع و نظام‌مندی است که با رویکردی میان‌رشته‌ای در حوزه جرم‌شناسی، حقوق کیفری و حمایت کیفری از کودک، شکاف میان قوانین موضوعه، رویه قضایی قابل دسترس و ساختارهای پیشگیرانه را بررسی کنند. مقاله حاضر با اتخاذ رویکردی نقادانه و بهره‌گیری از «سیاست جنایی سه‌سطحی» (تقنینی، قضایی و ساختاری) و «مدل تعاملی سه‌سطحی» (عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی–فرهنگی)، این خلأ را تا حدی پوشش می‌دهد و در قالب الگوی اصلاحی پنج لایه، راهکارهای عملی برای تقویت حمایت کیفری از کودکان ارائه می‌کند.

۲. روش تحقیق: پژوهش حاضر به‌صورت توصیفی–تحلیلی و با رویکردی میان‌رشته‌ای (تلفیق حقوق کیفری، جرم‌شناسی و حمایت کیفری از کودکان) به تحلیل انتقادی سیاست جنایی ایران در مواجهه با فرزندکشی می‌پردازد. رویکرد پژوهش، تلفیقی از «سیاست جنایی سه‌سطحی» (تقنینی، قضایی و ساختاری) و «مدل تعاملی سه‌سطحی» (عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی–فرهنگی) است که در قالب الگوی اصلاحی پنج لایه (بازنگری ماده ۳۰۱، اصلاح ماده ٦١٢، ایجاد رویه واحد، تقویت پیشگیری) سازماندهی شده است. گردآوری اطلاعات به‌شیوه کتابخانه‌ای–اسنادی انجام شده و علاوه بر قوانین، آرای وحدت رویه، رویه‌های قضایی قابل دسترس، منابع علمی معتبر داخلی و خارجی، اسناد بین‌المللی و گزارش‌های سازمان‌های ذی‌صلاح، از دو سامانه تخصصی قوه قضائیه نیز بهره‌گیری شده است:

الف) سامانه ملی آراء قضائی: این سامانه که توسط قوه قضائیه راه‌اندازی شده است، امکان دسترسی به متن کامل آراء دادگاه‌ها و دادسراها را فراهم می‌کند. در این پژوهش، با جستجو در این سامانه، آراء مرتبط با فرزندکشی و معافیت پدر از قصاص (به‌ویژه آراء دیوان عالی کشور و دادگاه‌های کیفری استان) استخراج و مورد تحلیل قرار گرفته است. ب) سامانه تناد (تنقیح و تدوین قوانین): این سامانه، مرجع رسمی تنقیح قوانین و مقررات کشور است و در این پژوهش، برای دسترسی به آخرین اصلاحات و الحاقات قوانین مرتبط (از جمله ماده ۳۰۱ و ٦١٢ قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان) مورد استفاده قرار گرفته است. ج) پایگاه‌های خبری و حقوقی معتبر: برای دسترسی به گزارش‌های پرونده‌های شاخص و تحلیل‌های حقوقی منتشرشده، از پایگاه‌های خبری و مجلات حقوقی معتبر استفاده شده است.

روش تحلیل داده‌ها مبتنی بر «تحلیل محتوای کیفی» است. اسناد بر اساس ارتباط مستقیم با موضوع، اعتبار منبع و قابلیت استفاده برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش انتخاب شده و ضمن مقایسه، مضامین جرم‌شناختی مشترک میان آنها استخراج و در چهار محور تقنینی، قضایی، جرم‌شناختی و ساختاری دسته‌بندی شده‌اند. تحلیل داده‌ها در سه سطح انجام شده است: سطح توصیفی (توصیف قوانین، مقررات، آراء و رویه‌های موجود)، سطح تحلیلی (تحلیل انتقادی خلأها و نارسایی‌ها) و سطح تجویزی (ارائه الگوی اصلاحی پنج‌لایه).

برای تحلیل رویه قضایی، هشت پرونده شاخص فرزندکشی در ایران به‌صورت کیفی بررسی شده است:

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version Unedited

۱. **پرونده رومینا اشرفی (۱۴۰۰):** قتل دختر ۱۴ ساله توسط پدر به دلیل فرار از خانه و ترس از «بی‌آبرویی»؛ که در آن ناکارآمدی نظام ارزیابی خطر و عدم هماهنگی نهادهای حمایتی پیش از وقوع جرم آشکار شد.

۲. پرونده فاطمه سلطانی (۱۴۰۱): قتل دختر توسط پدر با انگیزه ناموسی؛ که در آن استمرار خشونت خانوادگی و فقدان مداخلات درمانی و حمایتی پیش از وقوع جرم قابل مشاهده بود. در این پرونده، قاتل به هشت سال حبس محکوم شد که نشان‌دهنده اعمال حداقل مجازات تعزیری است.

۳. **پرونده «پل کابلی مشهد» (علی. ط، ۱۳۹۵):** قتل پسر ۹ ساله توسط پدر ۳۱ ساله با پرتاب از بالای پل کابلی (ارتفاع حدود ۳۰ متر) به وسط بزرگراه. انگیزه رسمی (بر اساس اعترافات متهم): اختلافات با همسر سابق، طلاق، و بهانه‌گیری‌های کودک برای دیدن مادر. روایت خانواده مادر (بر اساس مصاحبه پژوهشگر): انگیزه پدر، رهایی کامل از ملاحظات و تشریفات نفقه، دیدار مادر با کودک و سایر اختلافات بوده است. حکم صادره: ۱۰ سال حبس (اشد مجازات قانونی از جنبه عمومی جرم، با توجه به معافیت از قصاص). نقل‌قول قاضی: »با توجه به این که طبق قانون، در این گونه پرونده‌ها، قصاص پدر منتفی است اما دادگاه با بررسی همه جوانب این پرونده و همچنین چگونگی ارتکاب قتل و جریحه‌دار شدن اذهان عمومی، رأی اشد مجازات قانونی یعنی ۱۰ سال زندان از جنبه عمومی جرم را صادر کرد. «دلالت برای اصلاح رویه: این پرونده نشان می‌دهد که (الف) حتی با اعمال «اشد مجازات قانونی» (۱۰ سال حبس)، مجازات با شدت جرم (قتل عمدی کودک با سبق تصمیم و به‌صورت فجیع) تناسب ندارد؛ (ب) دوگانگی روایت رسمی و روایت خانواده مادر، ضرورت توجه به «انگیزه‌های چندلایه» و «بستر خانوادگی» را در تعیین مجازات آشکار می‌کند؛ (ج) ناکارآمدی نظام حمایتی پیش از وقوع جرم (عدم شناسایی خانواده در معرض خطر پس از طلاق) مشهود است.

٤. **پرونده فرزندکشی با انگیزه ترحم (مشهد، ١٤٠٤):** قتل کودک ۷ ساله مبتلا به تومور مغزی توسط پدر به انگیزه «ترحم» (اتانازی)؛ که در آن خلأ نظام حمایت از خانواده‌های دارای کودک با بیماری لاعلاج و نبود خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناختی آشکار شد.

۵. **پرونده فرزندکشی با انگیزه اعتیاد (تهران، ١٤٠٤):** قتل پسر معتاد توسط پدر با ضربات چکش و چاقو؛ که در آن خلأ نظام شناسایی خانواده‌های درگیر اعتیاد و مداخله زودهنگام بهزیستی و اورژانس اجتماعی نمایان شد.

٦. **پرونده یاسین (خرم‌آباد، ١٤٠٤):** قتل جوان ۲۱ ساله توسط پدر با کلنگ در خواب؛ که در آن استمرار خشونت خانوادگی و ناکارآمدی سازوکارهای گزارش‌دهی و حمایتی پیش از وقوع جرم آشکار شد.

۷. **پرونده فرزندکشی با سبق تصمیم (۱۴۰۳):** قتل دو فرزند توسط پدر با انگیزه مالی و اختلافات خانوادگی؛ که در آن عدم تناسب مجازات تعزیری (۳ تا ۱۰ سال) با شدت جرم و ناکارآمدی بازدارندگی ماده ٦١٢ نمایان شد.

۸. **پرونده فرزندکشی در خانواده‌های آسیب‌پذیر (۱۴۰۳):** قتل کودک توسط والدین معتاد؛ که در آن خلأ نظام شناسایی خانواده‌های پرخطر و مداخله زودهنگام بهزیستی و اورژانس اجتماعی آشکار شد.

علاوه بر این پرونده‌ها، داده‌های آماری قابل دسترس نیز مورد استناد قرار گرفته است: بر اساس گزارش‌های رسانه‌ای، در شش ماهه نخست سال ١٤٠٤، دست‌کم ۱۰ پرونده رسانه‌ای »قتل فرزند به دست پدر» شناسایی شده است که در آنها ۷ دختر (٦ تا ۱۷ سال) و ۳ پسر (۵، ۱۳ و ٢٦ سال) قربانی شده‌اند. همچنین بر اساس گزارش ایران آنلاین، از ١٦ فقره قتل با ۱۹ مقتول زیر ۱۸ سال در سال ١٤٠٤، در ٦ مورد (۳۷,۵ درصد) قاتل، پدر بوده است. سازمان بهزیستی نیز سالانه بیش از ۲۰ هزار مورد کودک‌آزاری از طریق خط ۱۲۳ گزارش می‌کند که می‌تواند هشداری برای وقوع موارد شدیدتر، از جمله فرزندکشی، باشد.

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Under Review

این پرونده‌ها و داده‌ها، از میان پرونده‌های شاخص و گزارش‌های رسانه‌ای و حقوقی قابل دسترس انتخاب شده‌اند و به‌صورت کیفی (نه آماری) بررسی شده‌اند. در پرونده «پل کابلی مشهد»، علاوه بر منابع رسانه‌ای، از مصاحبه پژوهشگر با مادر و مادربزرگ کودک نیز استفاده شده است که به غنای تحلیل انگیزه و بستر خانوادگی افزوده است. هرچند به دلیل عدم دسترسی به متن کامل دادنامه‌ها، این بررسی عمدتاً بر گزارش‌های موجود و تحلیل‌های حقوقی استوار است و به‌عنوان مطالعات موردی، نه آمار رسمی ارائه می‌گردد. این پژوهش، یک مطالعه اسنادی است و ادعای تعمیم یافته‌های آن به کل رویه قضایی ایران را ندارد؛ بلکه یافته‌های آن بر اساس نمونه‌های قابل دسترس و گزارش‌های موجود است. ازاین‌رو، آنچه تحت عنوان «بررسی رویه قضایی» مطرح می‌شود، ادعای استقرای ویژگی‌های کلی رویه قضایی ایران را ندارد، بلکه زمینه‌ساز پژوهش‌های گسترده‌تر آینده با بهره‌گیری از داده‌های میدانی (همچون مصاحبه با قضات و مددکاران اجتماعی) خواهد بود.

۳. یافته‌های اسنادی: بر اساس تحلیل اسناد، قوانین، رویه‌های قضایی قابل دسترس (شامل آراء استخراج‌شده از **سامانه ملی آراء قضائی** و قوانین تنقیح‌شده در **سامانه تناد**)، منابع علمی معتبر و **هشت پرونده شاخص** مورد بررسی، یافته‌های پژوهش در چهار محور تقنینی، قضایی، جرم‌شناختی و ساختاری دسته‌بندی می‌شوند:

۳-۱. یافته تقنینی: ماده ۳۰۱ ق.م.ا با اعطای معافیت مطلق به پدر و جد پدری از قصاص در قتل عمدی فرزند، مهم‌ترین چالش تقنینی شناسایی‌شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد این وضعیت از منظر اصل تناسب جرم و کیفر و الزامات حمایت کیفری از کودک محل نقد جدی است. همچنین پاسخ تعزیری مقرر در ماده ٦١٢ کتاب پنجم تعزیرات، با توجه به دامنه مجازات آن (۳ تا ۱۰ سال حبس)، از منظر بازدارندگی عام و خاص و تناسب با شدت جرم نیازمند ارزیابی مجدد است. تحلیل اسناد نشان می‌دهد که این دو ماده، در تعامل با یکدیگر، نظام پاسخ کیفری به فرزندکشی را در وضعیتی قرار داده‌اند که نه بازدارندگی کافی دارد و نه با استانداردهای بین‌المللی حمایت از کودکان (به‌ویژه ماده ٦ کنوانسیون حقوق کودک) سازگار است. این نارسایی تقنینی، زمینه‌ساز تضعیف کارکرد حمایتی قانون از کودکان است.

۳-۲. یافته قضایی: بررسی هشت پرونده شاخص (رومینا اشرفی، فاطمه سلطانی، پل کابلی مشهد، ترحم مشهد، اعتیاد تهران، یاسین خرم‌آباد، سبق تصمیم، و خانواده آسیب‌پذیر) نشان‌دهنده نارسایی در پاسخ قضایی است؛ از جمله تفاوت در میزان مجازات تعزیری (از ۸ سال حبس در پرونده فاطمه سلطانی تا ۱۰ سال حبس در پرونده پل کابلی مشهد) و فقدان الگوی یکپارچه در مواجهه با ویژگی‌های جرم‌شناختی پرونده‌ها. داده‌های آماری قابل دسترس نیز این یافته را تقویت می‌کند: بر اساس گزارش‌های رسانه‌ای، در شش ماهه نخست سال ١٤٠٤، دست‌کم ۱۰ پرونده رسانه‌ای «قتل فرزند به دست پدر» شناسایی شده است که در آنها ۷ دختر (٦ تا ۱۷ سال) و ۳ پسر (۵، ۱۳ و ٢٦ سال) قربانی شده‌اند. همچنین بر اساس گزارش ایران آنلاین، از ١٦ فقره قتل با ۱۹ مقتول زیر ۱۸ سال در سال ١٤٠٤، در ٦ فقره (۳۷,۵ درصد از کل فقره‌ها) قاتل، پدر بوده است. تحلیل تفصیلی این پرونده‌ها و دلالت‌های آنها برای اصلاح رویه قضایی، در جدول ۱ (بخش ۳-٤) ارائه شده است. با توجه به محدود بودن نمونه‌ها و عدم دسترسی به متن کامل برخی دادنامه‌ها، این یافته‌ها ناظر به نمونه‌های بررسی‌شده بوده و قابل تعمیم آماری به کل رویه قضایی ایران نیستند؛ بلکه به‌عنوان شواهد عینی، نارسایی رویه موجود را آشکار می‌سازند.

۳-۳. یافته جرم‌شناختی: فرزندکشی در نمونه‌های بررسی‌شده غالباً در بستر تعامل هم‌افزای عوامل فردی، خانوادگی و فرهنگی-اجتماعی شکل می‌گیرد؛ از جمله اختلالات روانی و اعتیاد (پرونده اعتیاد تهران)، خشونت و تعارض خانوادگی (پرونده یاسین خرم‌آباد و پل کابلی مشهد)، فقر و فشارهای اجتماعی (پرونده خانواده آسیب‌پذیر) و برخی باورهای مرتبط با اقتدار والدینی و انگیزه ترحم (پرونده ترحم مشهد). این یافته، فرزندکشی را نه صرفاً یک رخداد منفرد، بلکه نقطه پایانی یک فرایند بزه‌دیدگی نشان می‌دهد که در قالب »مدل تعاملی سه‌سطحی «(عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی-فرهنگی) قابل تبیین است. این یافته،

زمینه‌ساز تحلیل علمی در بخش چهارم است و نشان می‌دهد که برای پیشگیری و مهار فرزندکشی، رویکردی جامع در سطوح درمانی، حمایتی و هنجاری ضروری است.

٤-٣. یافته ساختاری: پاسخ موجود عمدتاً پس از وقوع جرم فعال می‌شود و میان سازوکارهای کیفری، پیشگیرانه و حمایتی، هماهنگی کافی وجود ندارد. داده‌های سازمان بهزیستی نشان می‌دهد که سالانه بیش از ۲۰ هزار مورد کودک‌آزاری از طریق خط ۱۲۳ گزارش می‌شود که می‌تواند هشداری برای وقوع موارد شدیدتر، از جمله فرزندکشی، باشد. در نتیجه، ظرفیت‌های مداخله زودهنگام، شناسایی خانواده‌های در معرض خطر، گزارش‌دهی و حمایت از کودک کمتر از ظرفیت واکنش کیفری مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این یافته، ضرورت تقویت سازوکارهای پیشگیرانه و حمایتی را به‌عنوان مکمل پاسخ کیفری آشکار می‌کند و مبنای ارائه الگوی اصلاحی در بخش پنجم است. در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ اقدامات حمایتی متعددی پیش‌بینی شده، اما نکته مهم این است که تمام اهداف قانون زمانی محقق می‌شود که سوء استفاده جنسی، کشف و کودک بزه‌دیده شناسایی شود. کودکان به دلیل وضعیت جسمی و ذهنی خود، غالباً در برابر این گونه جرایم سکوت می‌کنند و ممکن است حتی از قربانی بودن خود آگاه نباشند» (گلدوزیان، ١٤٠٤: ١).

٤. تحلیل و بحث:

١-٤. الگوی جرم‌شناختی فرزندکشی والدین: تحلیل‌ها نشان می‌دهد الگوی جرم‌شناختی فرزندکشی در ایران را می‌توان در قالب یک «مدل تعاملی سه‌سطحی» ترسیم کرد که در آن عوامل فردی، خانوادگی و فرهنگی-اجتماعی به‌صورت هم‌افزا خطر وقوع این پدیده را افزایش می‌دهند. وجه تمایز این مدل از تحلیل‌های خطی، تأکید بر «زنجیره بزه‌دیدگی» است: فرزندکشی معمولاً نقطه پایانی سیری صعودی از خشونت، غفلت و توجیه‌گری است. نتیجه اصلی این تحلیل آن است که فرزندکشی پدیده‌ای چندعلتی است و مهار آن به رویکردی جامع در سطوح درمانی، حمایتی و هنجاری نیاز دارد.

١-١-٤. عوامل فردی (سطح خرد): پژوهش‌های جرم‌شناختی نشان می‌دهد اختلالات روانی و اعتیاد، به‌ویژه افسردگی، اختلالات شخصیت و روان‌پریشی، از مهم‌ترین عوامل فردی مؤثر بر فرزندکشی هستند. Resnick در پژوهش کلاسیک خود (١٩٦٩) پنج انگیزه اصلی برای فرزندکشی برمی‌شمارد: ترحم (قتل از روی دلسوزی به دلیل بیماری یا ناتوانی کودک)، سوء رفتار منجر به قتل، روان‌پریشی حاد، کودک ناخواسته و انتقام والدین از یکدیگر. در ایران نیز اعتیاد به مواد مخدر و الکل از عوامل مستقیم و مؤثر در وقوع فرزندکشی توسط پدر شناسایی شده است.

افزون بر اختلالات روانی و اعتیاد، پژوهش‌های میدانی نشان می‌دهد «مشکلات جسمی همسر» (همچون بیماری‌های مزمن و ناتوانی‌های دوران بارداری) و «مشکلات روانی همسر» (از جمله افسردگی و عدم توانایی در ایفای نقش حمایتی) از عواملی است که پدر را به این باور می‌رساند توانایی لازم برای تربیت و حمایت از کودک را ندارد. این مسائل، به‌ویژه هنگامی که نظام سلامت نتواند حمایت‌های درمانی و روان‌شناختی کارآمد ارائه دهد، زمینه‌ساز فروپاشی تدریجی کارکرد حمایتی خانواده و افزایش خطر خشونت و بزه‌دیدگی می‌شود (حاصلی و همکاران، ١٤٠٣: ٨).

اتکای صرف بر عوامل فردی، تصویر ناقصی از فرزندکشی ارائه می‌دهد. بسیاری از پدران دارای اختلالات روانی هرگز دست به فرزندکشی نمی‌زنند و برخی موارد فرزندکشی در پدران فاقد سابقه اختلال روانی رخ می‌دهد. بنابراین عوامل فردی اگرچه مهم‌اند، اما در تعامل با عوامل خانوادگی و فرهنگی-اجتماعی (زنجیره بزه‌دیدگی) به وقوع فرزندکشی منجر می‌شوند (Resnick, 1969: 330؛ نورالدینی و پاوند، ١٤٠٤: ٣٤).

٢-١-٤. عوامل خانوادگی (سطح میانی): در سطح خانواده، عواملی مانند خشونت خانگی، تعارضات زناشویی، طلاق و ناتوانی اقتصادی از مهم‌ترین عوامل جرم‌زای خانوادگی هستند. کودکانی که در خانواده‌های دچار تعارض و خشونت زندگی می‌کنند،

به‌طور قابل‌توجهی در معرض بزه‌دیدگی (از جمله فرزندکشی) قرار دارند. نقش ساختارهای خانوادگی پس از طلاق نیز مهم است: ناامیدی یا نابسامانی اقتصادی، انگیزه‌هایی چون حسادت، اختلافات عاطفی یا سلطه‌جویی را تقویت می‌کند و به‌تدریج زمینه حذف فیزیکی کودک را فراهم می‌سازد.

۳-۱-٤. عوامل اجتماعی-فرهنگی (سطح کلان): در سطح کلان، جرم‌شناسی فرهنگی با نقد واکنش نظام عدالت کیفری به پدیده‌های فرهنگی، امکان بررسی تأثیر هنجارهای مرتبط با اقتدار والدینی بر فرایند دادرسی و تعیین مجازات قتل فرزند توسط پدر را فراهم می‌کند. برخلاف رویکردهایی که فرهنگ را صرفاً «علت» جرم می‌دانند، این رهیافت بر نقش نظام حقوقی در بازتولید یا به‌چالش‌کشیدن هنجارهای فرهنگی تأکید دارد؛ بنابراین باورهای سنتی نباید توجیه‌کننده رفتار مجرمانه یا مبنای تخفیف مجازات قرار گیرند.

ناتوانی خانواده در تأمین نیازهای اساسی کودک نیز می‌تواند به افزایش خشونت و در موارد شدید، فرزندکشی منجر شود. سالانه بیش از ۲۰ هزار مورد کودک‌آزاری از طریق خط ۱۲۳ گزارش می‌شود که می‌تواند هشداری برای وقوع موارد شدیدتر باشد (صیاد، ۱۳۹٤: ٦۷؛ نورالدینی و پاوند، ۱٤۰٤: ۳٤). پژوهش‌های میدانی نشان می‌دهد فشارهای اقتصادی فراتر از فقر مطلق، مؤلفه‌هایی چون هزینه‌های بالای بارداری، زایمان و تحصیل را نیز در بر می‌گیرد که از عوامل مؤثر بر سقط جنین و فروپاشی کارکرد حمایتی خانواده هستند (حاصلی و همکاران، ۱٤۰۳: ۸).

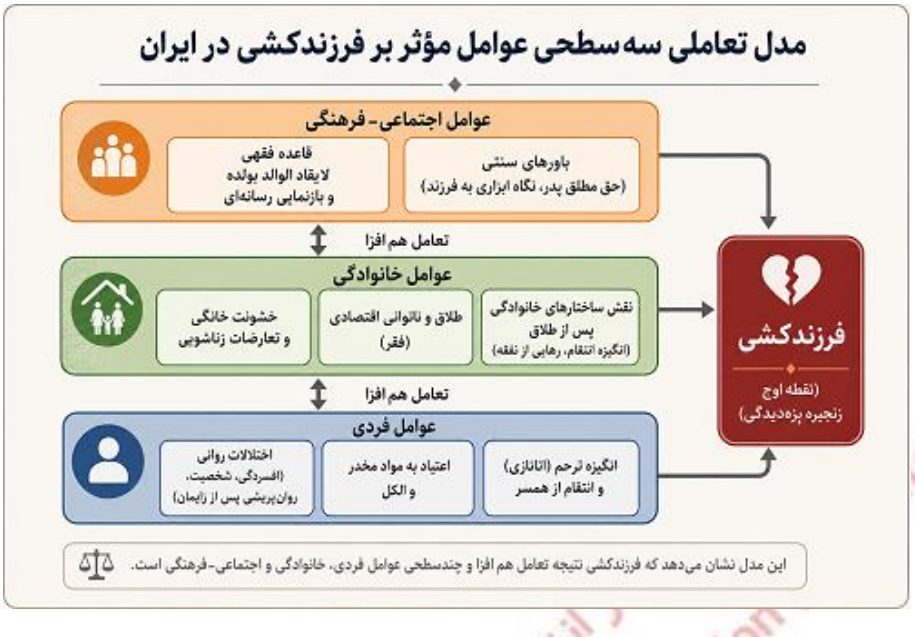
آنچه پدر را به تصمیمات خشن و گاه غیرقابل‌جبران سوق می‌دهد، صرفاً فقر کنونی نیست؛ «ترس از آینده مبهم» و «ناامیدی از بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی» نیز می‌تواند او را به این باور برساند که زندگی فرزند در چنین وضعیتی اقدامی غیرمسئولانه است. این ناامیدی، همراه با ناپایداری روابط زناشویی و فقدان حمایت همسر، زنجیره بزه‌دیدگی را تشدید می‌کند (حاصلی و همکاران، ۱٤۰۳: ۵).

ناپایداری روابط زناشویی، فراتر از طلاق و تعارضات آشکار، می‌تواند در شکل‌گیری نگرش منفی به فرزندآوری مؤثر باشد. «پشیمانی از انتخاب همسر»، «عدم رضایت از زندگی مشترک» و «ناامنی ناشی از ازدواج موقت» ممکن است پدر را به این باور برساند که فرزندآوری نه‌تنها مشکل‌گشا نیست، بلکه به تشدید فقر، خشونت و ناامنی خانوادگی می‌انجامد. بارداری ناخواسته و تصمیم به سقط جنین را می‌توان، نه به‌عنوان فرزندکشی به معنای خاص حقوقی، بلکه به‌عنوان یکی از جلوه‌های پیشینی خشونت یا طرد نسبت به فرزند در امتداد زنجیره بزه‌دیدگی از مرحله پیش از تولد تا پس از تولد بررسی کرد.

نگرش طردکننده نسبت به جنین ممکن است پس از تولد نیز در قالب طرد عاطفی، بی‌توجهی یا خشونت نسبت به کودک استمرار یابد. بارداری‌های ناخواسته و فاصله کم میان بارداری‌ها نیز با افزایش خستگی و فشار روانی خانواده، تنش‌های خانوادگی و احتمال بی‌توجهی یا خشونت علیه کودک را افزایش می‌دهد. ازاین‌رو، فشارهای هم‌زمان اقتصادی، روانی و عاطفی با تضعیف سلامت پدر و فرسایش کارکرد حمایتی خانواده، زمینه‌ساز طیفی از رفتارهای آسیب‌زا، از طرد و بی‌توجهی تا خشونت شدید و در نهایت فرزندکشی می‌شود.

در عصر جاهلیت، فرزندکشی در قالب «وقد اوالد» با انگیزه‌هایی چون ترس از فقر رواج داشت و ریشه در باورهای کژکار و نگرش ابزاری به فرزند داشت. برخی از این باورها، به‌ویژه ترس از فقر و تلقی فرزند به‌عنوان «مال» پدر، ممکن است در عصر جدید نیز به اشکال متفاوت، از جمله در برخی انگیزه‌های مرتبط با سقط جنین، استمرار یابد. از این منظر، سقط جنین را نه معادل فرزندکشی به معنای خاص، بلکه در برخی موارد به‌عنوان بخشی از پیوستار بزه‌دیدگی و طرد حیات از مرحله پیش از تولد تا پس از تولد می‌توان بررسی کرد. بارداری‌های ناخواسته و فاصله کم میان بارداری‌ها نیز با افزایش فشارهای جسمی، روانی، عاطفی و مالی، توان حمایتی خانواده را کاهش داده و زنجیره بزه‌دیدگی را تشدید می‌کند (همان: ۷).

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited



۲-٤. نقد ماده ۳۰۱ ق.م.ا از منظر کودک بزه دیده: پیش از نقد ماهوی ماده ۳۰۱، تفکیک سه نهاد حقوقی متمایز ضروری است: نخست، «انتفای قصاص» (موضوع ماده ۳۰۱) که صرفاً یکی از شرایط ثبوت قصاص را بیان می‌کند؛ دوم، «استحقاق دیه» که به‌موجب قواعد عمومی دیات (مواد ٤٤٨ به بعد ق.م.ا) بر عهده قاتل است و مستقل از حکم قصاص؛ و سوم، «مجازات تعزیری» که بر اساس ماده ٦١٢ کتاب پنجم تعزیرات اعمال می‌شود. نقد ماده ۳۰۱ نباید این سه نهاد را با یکدیگر خلط کند؛ آنچه نقد می‌شود صرفاً حکم معافیت پدر از قصاص است و دیه و تعزیر تابع مقررات مستقل هستند.

۱-۲-٤. نقد اول) تناسب جرم و کیفر: در حقوق کیفری مدرن، تناسب میان شدت جرم و مجازات یکی از اصول بنیادین است. قتل عمدی، به‌عنوان شدیدترین جرم علیه اشخاص، در نظام‌های حقوقی مختلف با شدیدترین مجازات‌ها پاسخ داده می‌شود. ماده ۳۰۱ پدر قاتل را از شدیدترین مجازات (قصاص) معاف کرده و چارچوب قانونی موجود، دادگاه‌ها را به اعمال مجازات تعزیری حداقلی (۳ تا ۱۰ سال حبس) محدود می‌سازد که ناقض اصل تناسب جرم و کیفر است. این عدم تناسب، به‌ویژه در موارد قتل با سبق تصمیم و انگیزه‌های پست، به‌شدت محل تردید است. به عبارت دیگر، قانون یک کودک را به دلیل «رابطه ابوّت» از حمایت برابر با سایر شهروندان محروم کرده است؛ امری که با اصل برابری قانونی و اصل حمایت ویژه از کودکان محل چالش است (رهنما، ۱٤۰۳؛ کوشا، چاووشی و مهدوی ثابت، ۱٤۰٤).

۲-۲-٤. نقد دوم) تأثیر بازدارندگی و پارادوکس «الغای اعدام»: فلسفه مجازات، در کنار سایر اهداف، تأمین بازدارندگی عام و خاص است. معافیت پدر از قصاص می‌تواند بازدارندگی ادراک‌شده را کاهش دهد و برخی پژوهشگران ماده ۳۰۱ را «ناکارآمد و گریزگاه قانونی مجرمان واقعی» دانسته‌اند. بااین‌حال، نقد این معافیت در چارچوبی گسترده‌تر، یک پارادوکس ساختاری را آشکار می‌سازد: از یک سو، گفتمان جهانی حقوق بشر، با استناد به قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل و گزارش‌های نهادهای بین‌المللی، بر «الغای اعدام» و توقف اجرای مجازات قصاص در ایران تأکید می‌کند ؛ و از سوی دیگر، منتقدان معافیت پدر، بر «حق حیات کودک» و «برابری در حمایت قانونی» تأکید می‌کنند و معافیت پدر را مصداق بارز «مصونیت از مجازات متناسب» می‌دانند. این دو گفتمان، در دو سطح متفاوت عمل می‌کنند: گفتمان الغای اعدام بر «حق حیات مرتکب» متمرکز است، و گفتمان نقد معافیت پدر بر «حق حیات قربانی» و «برابری» تأکید دارد. نتیجه این تناقض، یک سیاست جنایی دوگانه است که هم مرتکبان غیرپدر را به قصاص محکوم می‌کند و هم پدران را از مجازات متناسب معاف می‌دارد؛ سیاستی که نه با گفتمان حقوق بشر (الغای

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version

اعدام) سازگار است و نه با گفتمان برابری و حمایت از کودک. وجود اختلاف دیدگاه‌ها در میان فقها، ظرفیت بازنگری در قاعده با توجه به مقتضیات زمان و مکان را نشان می‌دهد (نورالدینی و پاوند، ۱٤۰٤: ۲٦۸).

هنگامی که از این روزنه به کیفر (تعزیر) می‌نگریم، تعریف اصطلاحی، فقهی، حقوقی آن، تابش فکری تازه‌ای به قاضی می‌بخشد... این‌جاست که باید به پروراندن دادرسانی برخیزیم که فراتر از آگاهی‌یابی به قانون و قاعده‌ی فقهی از دانش‌های فلسفه‌ی حقوق، جامعه‌شناسی حقوق، روانشناسی کیفری و تاریخ حقوق بهره‌ورند» (ساکت، ۱٤۰٤: ۲٦٥).

۳-۲-٤. نقد سوم) انطباق با موازین بین‌المللی: ماده ٦ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) بر حق حیات کودکان تأکید دارد و دولت‌های عضو را موظف به تضمین بقا و رشد کودک تا حد امکان می‌کند. مواد ۲، ۳ و ۱۹ کنوانسیون نیز به‌ترتیب بر اصل عدم تبعیض، اصل مصلحت عالیه کودک و حمایت از کودکان در برابر کلیه اشکال خشونت تأکید دارند. معافیت پدر از قصاص در ماده ۳۰۱ از آن جهت که کودک را به‌دلیل «رابطه ابوّت» از حمایت برابر قانون محروم می‌کند، با اصل عدم تبعیض (ماده ۲) و استانداردهای حمایتی کنوانسیون محل چالش است. حقوق بشردوستانه در قامت حقوق در جنگ، بخش مهمی از مقررات حقوق بین‌الملل را به خود اختصاص می‌دهد. بخشی از این مقررات ناظر بر حقوق کودکان در جنگ هستند. این مجموعه مقررات را می‌توان حقوق بین‌الملل بشردوستانه کودکان نامید. حقوق بین‌الملل بشردوستانه کودکان از موضوعات بسیار مهمی است که مقررات قابل‌توجهی از حقوق بین‌الملل را به خود اختصاص داده است. وضعیت خاص کودکان به لحاظ سنی، از یک‌سوی و موضوع جنگ از سوی دیگر، اهمیت حقوق کودکان را دوچندان می‌کند» (عبدی و صلح‌پی، ۱٤۰۳: ۳۳۷).

٤-۲-٤. نقد چهارم) ناسازگاری با مبانی فقهی و آموزه‌های قرآنی: آموزه‌های قرآنی نشان می‌دهد فرزندکشی، از جمله در واکنش به ترس از فقر یا انگیزه‌های اعتقادی و قربانی‌کردن فرزندان برای بت‌ها، به‌شدت نکوهش و ممنوع شده است. ازاین‌رو، هرچند قاعده «لایقاد» در فقه امامیه مستندات روایی دارد، معافیت پدر از قصاص در ماده ۳۰۱ از منظر سیاست جنایی و ضرورت حمایت از حیات کودک قابل نقد است. برخی پژوهش‌ها با استناد به قواعدی همچون «الضرر»، «نفی سبیل»، «التراحم»، «حفظ نظام» و «مصلحت»، امکان بازنگری در دامنه معافیت پدر و تقویت پاسخ‌های تعزیری را بدون نفی مبانی شرعی مطرح کرده‌اند (اسحاقی، ۱۳۸۸؛ رادمان و همکاران، ۱٤۰٤؛ وجدانی فخر و الهی‌منش، ۱٤۰۱).

افزون بر این، قاعده مزبور حتی در میان فقهای امامیه نیز به‌صورت یکسان تفسیر نشده است. برخی فقهای معاصر، از جمله صانعی، استثنای عدم قصاص را به موارد خاصی از قتل ناشی از عواطف و تخلف فرزند از نصایح خیرخواهانه پدر محدود کرده و قتل‌هایی با انگیزه شخصی را مشمول قصاص دانسته‌اند. در فقه کلاسیک نیز، از جمله در دیدگاه شیخ طوسی، عدم قصاص پدر ناظر بر قتل با انگیزه شخصی قابل‌نقد دانسته شده است. بنابراین عدم قصاص را نمی‌توان لزوماً به معنای فقدان امکان پاسخ کیفری شدید دانست و تشدید مجازات تعزیری در موارد مشدد، مانند قتل چند فرزند، سبق تصمیم یا برخی انگیزه‌های خاص، قابل بررسی است (صانعی، ۱۳۸۷؛ منتظری، ۱٤۲۷).

از سوی دیگر، تبعیض میان پدر و مادر در این قاعده بازدارندگی را نشان می‌دهد. برخی ریشه تاریخی این تفاوت را در نگاه ابزاری و مالی به فرزند در جوامع گذشته دانسته‌اند. اگر مبنای معافیت، جایگاه والدینی باشد، عدم شمول مادر با این توجیه سازگار نیست و از منظر برابری، کرامت انسانی و حمایت برابر از حیات کودک محل تأمل است (قادری چرمهینی و همکاران، ۱۳۹٦: ٤). لذا باید میان اعتبار فقهی اصل قاعده و کارآمدی نحوه اعمال آن در سیاست جنایی معاصر تفکیک کرد؛ به‌گونه‌ای که حتی با پذیرش اصل قاعده، تفسیر مضیق آن، تحدید دامنه موارد مشمول و تشدید مجازات در قتل‌های مشدد قابل بررسی باشد.

این ضرورت در تحولات سیاست جنایی معاصر نیز قابل مشاهده است. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱٤۰۰، در ارتباط با قتل فرزند توسط پدر، پاسخ کیفری متناسبی فراتر از چارچوب

ماده ۳۰۱ پیش‌بینی نکرده‌اند و از این حیث میان سیاست حمایت از کودک و پاسخ کیفری به فرزندکشی نوعی ناهماهنگی مشاهده می‌شود (صبوری‌پور و حق‌بین، ۱٤۰۰: ۷-٦). در حوزه سقط جنین نیز پیچیدگی فرآیندهای قانونی و محدودیت‌های موجود در صدور مجوز، از منظر برخی پژوهش‌ها می‌تواند خطر سوق‌یافتن افراد به سقط‌های غیرقانونی و ناایمن را افزایش دهد؛ ماده ٥٦ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در این زمینه سازوکار تخصصی را مقرر کرده است (آقابابایی بنی، ۱٤۰۲). این موارد، در مجموع، ضرورت ارزیابی هماهنگی سیاست جنایی خانواده در حمایت از حیات را نشان می‌دهد.

در سطح تقنین نیز طرح اصلاح ماده ٦۱۲ ق.م.ا نشان‌دهنده شناسایی مسئله بازدارندگی موجود است. وزارت دادگستری در آبان ۱۳۹۹، با استناد به عدم تناسب مجازات موجود و خلأ بازدارندگی کافی، پیشنهاد اصلاح این ماده را مطرح کرد. این لایحه پس از قتل رومینا اشرفی در ۲٦ مرداد ۱٤۰۰ در هیأت دولت تصویب و در ۹ خرداد همان سال به مجلس ارسال شد. پیشنهاد مزبور حداقل مجازات را از سه به پنج سال افزایش می‌داد، اما سقف مجازات را تغییر نمی‌داد. هرچند این لایحه به سرانجام نرسید، طرح آن نشان‌دهنده پذیرش رسمی وجود خلأ بازدارندگی و ضرورت بازنگری در پاسخ کیفری به فرزندکشی است (رهنما، ۱٤۰۳).

۵-۲-٤. بررسی تطبیقی: مطالعه تطبیقی حاضر با تمرکز بر یک مسئله مشترک، یعنی نقش رابطه والدینی، وضعیت مرتکب و ویژگی‌های کودک در تعیین پاسخ کیفری به قتل فرزند، انجام می‌شود. معیار مقایسه سه مؤلفه است: نقش رابطه والدینی در تخفیف یا تشدید، وضعیت خاص مرتکب و سن و آسیب‌پذیری کودک. در نظام‌های منتخب، دو جهت‌گیری برجسته قابل شناسایی است: نخست، تخفیف محدود مبتنی بر وضعیت خاص مرتکب (مانند انگلستان و سوئیس)؛ و دوم، تشدید پاسخ کیفری با محوریت وضعیت و آسیب‌پذیری قربانی یا حتی رابطه خانوادگی (مانند فرانسه، ترکیه و برخی ایالت‌های آمریکا). تفاوت این نظام‌ها با حقوق ایران، به‌ویژه از حیث مبانی فقهی قصاص، مانع کاربردپذیری مستقیم است؛ ازاین‌رو، هدف تطبیق، استخراج معیارهای قابل تأمل برای ارزیابی و اصلاح سیاست جنایی ایران است.

الف) انگلستان: قانون فرزندکشی ۱۹۳۸، در مورد مادری که کودک زیر دوازده ماه را به قتل می‌رساند، در صورتی که هم‌زمان اختلال روانی وی بر اثر عدم تعادل پس از زایمان قابل‌احراز باشد، عنوان مستقل فرزندکشی و امکان مجازات همانند قتل غیرعمد را پیش‌بینی کرده است (Infanticide Act 1938, s.1). بنابراین، مبنای تخفیف در این نظام، صرف رابطه مادری نیست، بلکه وضعیت زیستی-روانی خاص مادر است. این یافته، برای نقد قاعده ایرانی «معافیت پدر» حائز اهمیت است. زیرا نشان می‌دهد که در برخی نظام‌ها، تخفیف به «وضعیت خاص مرتکب» وابسته است، نه به «رابطه والدینی» به‌تنهایی.

ب) سوئیس: ماده ۱۱٦ قانون مجازات سوئیس نیز قتل کودک توسط مادر در هنگام زایمان یا زمانی که وی تحت تأثیر آثار زایمان است را مستوجب حداکثر سه سال حبس یا جزای نقدی می‌داند. در اینجا نیز امتیاز کیفری بر وضعیت خاص پس از زایمان مبتنی است، نه رابطه والدینی به‌تنهایی (Swiss Criminal Code, Art. 116). این دو تجربه (انگلستان و سوئیس) نشان می‌دهد که حتی در نظام‌هایی که تخفیف کیفری برای فرزندکشی پیش‌بینی کرده‌اند، این تخفیف مبتنی بر «وضعیت زیستی-روانی خاص» است، نه صرف «رابطه والدینی».

ج) ترکیه: ماده ۸۲ قانون مجازات شماره ۵۲۳۷، قتل عمد کودک یا شخصی را که از نظر جسمی یا روانی قادر به دفاع از خود نیست، از مصادیق قتل مشدد و مستوجب حبس تشدیدشده می‌داند. افزون بر آن، قتل یکی از اقارب نسبی نیز در زمره عوامل تشدید قرار گرفته است. بنابراین در این نظام، آسیب‌پذیری کودک و در برخی موارد رابطه خانوادگی، نه موجب معافیت، بلکه می‌تواند مبنای تشدید پاسخ کیفری باشد (Turkish Penal Code No. 5237, Art. 82(1)(d),(e)).

پذیرفته‌شده در انتظار انتشار | نسخه‌ی ویراستاری‌نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version Unedited

د) فرانسه: ماده ٤-٢٢١ قانون جزای فرانسه، قتل عمدی کودک زیر پانزده سال را مستوجب حبس ابد می‌داند و قتل برخی خویشاوندان در خط مستقیم، از جمله والدین، را نیز در شمار موارد مشدد قرار می‌دهد. بدین ترتیب، سن و آسیب‌پذیری کودک و حتی در مواردی رابطه خانوادگی، می‌تواند موجب تشدید پاسخ کیفری شود؛ نه اینکه رابطه والدینی به‌خودی‌خود مانع آن باشد (French Penal Code, Art. 221-4).

هـ) ایالات متحده آمریکا: به دلیل تنوع قوانین ایالتی، الگوی واحدی وجود ندارد؛ بااین‌حال، برخی ایالت‌ها قتل کودکان را در زمره شدیدترین اشکال قتل قرار داده‌اند. برای نمونه، در تگزاس، قتل فرد زیر ده سال از مصادیق قتل عمدی و مشمول شدیدترین پاسخ کیفری است (Texas Penal Code § 19.03(a)(8)). بنابراین در این الگو نیز سن کودک می‌تواند عامل تعیین‌کننده شدت پاسخ کیفری باشد، بدون آنکه رابطه والدینی به‌تنهایی موجب مصونیت مرتکب شود.

و) کویت: این کشور از حیث تحول سیاست جنایی در قبال امتیازات کیفری مبتنی بر روابط خانوادگی، نمونه‌ای منطقه‌ای و قابل‌توجه است. در سال ۲۰۲۵، ماده ۱۵۳ قانون جزا که برای مرد مرتکب قتل زن خویشاوند در شرایط موسوم به «قتل ناموسی» عذر مخفف مقرر می‌کرد، لغو شد؛ اقدامی که بر برابری در برابر قانون و عدم کفایت رابطه خانوادگی یا وضعیت عاطفی برای برخورداری از تخفیف تأکید دارد. افزون بر این، لغو ماده ۱۵۹ در همان سال — که برای مادری که نوزاد خود را بلافاصله پس از تولد، به انگیزه رهایی از ننگ، به قتل می‌رساند، عذر قانونی مخفف پیش‌بینی کرده بود — نشان‌دهنده تقدم حمایت از حیات کودک بر وضعیت خانوادگی و انگیزه اجتماعی یا عاطفی مرتکب است (دولة الكويت، ۲۰۲۵؛ وزارة العدل الكويتية، ۲۰۲۵).

این تجربه، به‌ویژه از آن جهت حائز اهمیت است که نشان می‌دهد حتی در نظام‌های حقوقی مبتنی بر شریعت، می‌توان معافیت‌های کیفری مبتنی بر «رابطه خانوادگی» یا «انگیزه عاطفی» را لغو کرد و حمایت از حیات کودک را بر این معافیت‌ها مقدم دانست. تحلیل عمیق‌تر این تجربه نشان می‌دهد که کویت، هم‌زمان با لغو معافیت‌های مبتنی بر «ناموس»، در حال بازسازی نظام حمایتی خود بر پایه «مدیریت مورد» و «همکاری بین‌بخشی» است. ارزیابی آمادگی ملی این کشور در سال ۲۰۲۰ نشان داد امتیاز کلی در پیشگیری از بدرفتاری با کودک ۳۹/۱۷ از ۱۰۰ بوده است که بالاترین امتیاز در قانون‌گذاری و پایین‌ترین امتیاز در نگرش عمومی ثبت شده است (Alkhawari, 2020). مطالعات کیفی از کارکنان حمایت از کودک نیز، با وجود خدمات مشاوره‌ای و همکاری بین‌بخشی در حال شکل‌گیری، بر فقدان طرح ایمنی واحد، برنامه روشن بازپیوند و اختیارات و آموزش کافی برای کارکنان تأکید دارند (Almutairi, 1403). از این منظر، درس کویت آن است که یکپارچه‌سازی نهادی بدون پروتکل مشترک و تغییر نگرش عمومی ناکافی است و تاب‌آوری خانواده زمانی تقویت می‌شود که قانون، مدیریت مورد، مشاوره، ثبت داده و همکاری میان سلامت، رفاه، آموزش و عدالت در یک مسیر عملیاتی مشترک قرار گیرند. این تجربه می‌تواند در بررسی تحدید آثار رابطه والدینی، تقویت حمایت کیفری از کودک و تشدید پاسخ تعزیری در موارد مشدد قتل فرزند توسط پدر مورد توجه قرار گیرد.

تجربه نظام‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد رابطه والدینی به‌تنهایی معیار تعیین‌کننده پاسخ کیفری به قتل کودک نیست. در انگلستان و سوئیس، تخفیف به وضعیت زیستی-روانی خاص مادر (اختلال پس از زایمان) وابسته است؛ در ترکیه و فرانسه، سن و آسیب‌پذیری کودک و حتی در مواردی رابطه خانوادگی به تشدید پاسخ کیفری می‌انجامد؛ در ایالات متحده، سن کودک می‌تواند عامل تعیین‌کننده شدت پاسخ باشد؛ و در کویت، لغو مواد ۱۵۳ و ۱۵۹ قانون جزا در سال ۲۰۲۵ نشان‌دهنده تقدم حمایت از حیات کودک بر رابطه خانوادگی و انگیزه عاطفی مرتکب است. در مقابل، حقوق ایران در قاعده معافیت پدر از قصاص، رابطه ابوّت را مانع اجرای قصاص می‌داند، بدون آنکه وضعیت روانی مرتکب یا آسیب‌پذیری کودک معیار اصلی این معافیت باشد. ازاین‌رو، معیارهایی مانند وضعیت روانی مرتکب، سن و آسیب‌پذیری قربانی، شدت و کیفیت رفتار، سبق تصمیم و انگیزه ارتکاب می‌تواند در ارزیابی پاسخ کیفری، به‌ویژه در قلمرو تعزیر، مورد توجه قرار گیرد. بااین‌حال، این یافته تطبیقی به معنای انتقال مستقیم

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version Unedited

الگوهای خارجی به حقوق ایران نیست؛ ارزش آن در نشان‌دادن این نکته است که رابطه والد–فرزند لزوماً نباید به‌تنهایی تعیین‌کننده شدت پاسخ کیفری باشد و می‌توان میان وضعیت مرتکب، ویژگی‌های قربانی و کیفیت رفتار تفکیک کرد.

جدول شماره ۱ – تحلیل نمونه‌های عینی فرزندکشی و دلالت‌های آن برای رویه قضائی

پرونده	عوامل زمینه‌ساز و خلأهای آشکارشده	نحوه مواجهه دادگاه	دلالت برای اصلاح رویه قضایی
رومینا اشرفی	فقدان نظام ارزیابی خطر؛ ضعف هماهنگی نهادهای حمایتی؛ بازگشت کودک به محیط پرخطر	حکم تعزیری در چارچوب ماده ۳۰۱؛ بی‌توجهی به گزارش‌های قبلی	استقرار نظام ملی ارزیابی خطر؛ مداخله فوری چندنهادی؛ اولویت مصلحت عالیه کودک
فاطمه سلطانی	استمرار خشونت خانوادگی؛ فقدان مداخلات درمانی؛ ناکارآمدی گزارش‌دهی	حکم تعزیری (۸ سال حبس)؛ بی‌توجهی به سابقه خشونت	تقویت گزارش‌دهی کودک‌آزاری؛ توسعه خدمات سلامت روان؛ نظارت قضایی مستمر
پل کابلی مشهد	اختلافات پس از طلاق؛ انگیزه رهایی از نفقه و دیدار مادر؛ نبود حمایت پس از طلاق	۱۰ سال حبس (اشد مجازات)؛ تأکید قاضی بر جریحه‌دار شدن اذهان عمومی	توجه به انگیزه‌های چندلایه؛ شناسایی خانواده‌های پرخطر پس از طلاق
ترحم مشهد	کودک با بیماری لاعلاج؛ نبود خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناختی	حکم تعزیری؛ توجه به انگیزه ترحم	توسعه خدمات حمایتی برای خانواده‌های دارای کودک بیمار
اعتیاد تهران	اعتیاد پدر؛ نبود مداخله زودهنگام بهزیستی	حکم تعزیری؛ بی‌توجهی به سابقه اعتیاد	تقویت نظام شناسایی خانواده‌های درگیر اعتیاد
یاسین خرم‌آباد	استمرار خشونت خانوادگی؛ ناکارآمدی گزارش‌دهی	حکم تعزیری؛ بی‌توجهی به سابقه خشونت	تقویت سازوکارهای گزارش‌دهی و حمایتی
سبق تصمیم	انگیزه مالی و اختلافات خانوادگی؛ قتل دو فرزند	حکم تعزیری (حداکثر ۱۰ سال)؛ عدم تناسب با شدت جرم	تشدید مجازات در موارد مشدد؛ اصلاح ماده ٦١٢
خانواده آسیب‌پذیر	اعتیاد والدین؛ فقر و نبود حمایت اجتماعی	حکم تعزیری؛ بی‌توجهی به عوامل خطر	تقویت حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی؛ مداخله زودهنگام

این پرونده‌ها نشان می‌دهند که رویه قضایی، با وجود تبعیت از قانون، از سه جهت با اهداف سیاست جنایی فاصله دارد: عدم تناسب مجازات با شدت جرم، فقدان یک‌نواختی آراء و غلبه رویکرد واکنشی بر پیشگیری. ازاین‌رو، اصلاح رویه قضایی مستلزم اصلاح هم‌زمان ماده ۳۰۱ و تقویت نظام پیشگیری است.

پژوهشگاه | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

٤-٤. الگوی اصلاحی برای تقویت حمایت کیفری از کودکان: پرسش فرعی چهارم پژوهش آن است که «چه الگوی تقنینی برای حمایت مؤثرتر از کودکان در برابر فرزندکشی قابل ارائه است؟» یافته‌ها نشان می‌دهد اصلاح سیاست جنایی ایران باید هم‌زمان در سه سطح تقنینی، قضایی و پیشگیرانه–ساختاری دنبال شود. این الگو بر چارچوب سه‌وجهی مقاله (جرم‌شناختی، حقوقی و اصلاحی) استوار است و مدل پنج‌لایه زیر، بسط بعد اصلاحی همین چارچوب است. این پنج لایه عبارتند از:

لایه ۱ (پیشگیری اولیه): شناسایی خانواده‌های در معرض خطر و آموزش والدین (مهارت‌های فرزندپروری). در این لایه، تفکیک سقط جنین از فرزندکشی ضروری است؛ زیرا هرچند این دو پدیده از نظر ماهیت حقوقی و کیفری یکسان نیستند، اما تحلیل پیوستار بزه‌دیدگی از مرحله پیش از تولد تا پس از تولد، امکان درک بهتر عوامل زمینه‌ساز فرزندکشی را فراهم می‌کند.

لایه ۲ (کشف و گزارش): تقویت نظام گزارش‌دهی (اورژانس اجتماعی ۱۲۳) و آموزش معلمان و کادر درمان برای تشخیص علائم. نخست، قانونگذار باید با ایجاد مسئولیت برای آحاد جامعه در اطلاع‌رسانی در مورد این گونه جرایم، فرهنگ پنهان‌کاری را کمرنگ کند. دوم، اهمیت آموزش و آگاهی‌رسانی است. آگاهی از نشانه‌های سوء استفاده جنسی به افراد نزدیک به کودک کمک می‌کند تا بتوانند رفتارها و نشانه‌های مشکوک را تشخیص داده و با پرسش‌های مناسب، زمینه‌افشای جرم را فراهم آورند» (گلدوزیان، ١٤٠٤: ١).

لایه ۳ (تعقیب و کیفر): اصلاح ماده ۳۰۱ (تفسیر مضیق و تحدید دامنه معافیت)، اصلاح ماده ٦١٢ (تشدید پاسخ تعزیری در موارد مشدد)، و هماهنگ‌سازی رویه قضایی. در این لایه، توجه به پرونده‌های شاخص (مانند پل کابلی مشهد، ترحم مشهد و اعتیاد تهران) نشان می‌دهد که انگیزه‌های چندلایه (انتقام، ترحم، اعتیاد) و بستر خانوادگی (طلاق، خشونت، فقر) باید در تعیین مجازات مورد توجه قرار گیرند. البته اگر قاضی با مفهوم تازه و ژرف و فلسفی «تعزیر» آشنا باشد، کمتر از کیفرهای تازیانه و زندان برای اشخاص اصلاح‌پذیر (با کیفرهای جایگزین) استفاده می کند. یکی از والاترین و شایسته‌ترین خواسته‌های کیفررسانی «فرهنگ‌مند» ساختن بزهکار است» (ساکت، ١٤٠٤: ٢٧٠).

لایه ٤ (حمایت از بزه‌دیده): نظارت قضایی مستمر، جبران خسارت مادی و معنوی، و تشکیل پرونده شخصیت (مواد ۲۰۳ و ٢٨٦ ق.آ.د.ک).

لایه ۵ (پایش و ارزیابی): سنجش اثربخشی قوانین از طریق شاخص‌های عملکردی و گزارش‌دهی دوره‌ای. در این لایه، بهره‌گیری از تجربه کشورهای موفق (مانند کویت در لغو معافیت‌های ناموسی و انگلستان در تخفیف مبتنی بر وضعیت روانی مادر) می‌تواند به ارزیابی و اصلاح مستمر الگو کمک کند.

در این الگو، پیشگیری مؤثر نیاز به مداخله کیفری را کاهش می‌دهد، گزارش به‌موقع امکان تعقیب را فراهم می‌کند، پاسخ متناسب حمایت از بزه‌دیده را تقویت می‌نماید و پایش مستمر امکان اصلاح سیاست جنایی را به همراه دارد. این الگو، یک فرایند پلکانی و تکاملی است که در آن، هر لایه مقدمه و پشتوانه لایه بعدی محسوب می‌شود و در نهایت، به تقویت حمایت کیفری از کودکان در برابر فرزندکشی می‌انجامد.



پذیرفته‌شده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه ویرایش نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

اگرچه این الگو در سایر حوزه‌های حمایت از حیات در خانواده، از جمله سقط جنین، نیز قابل استفاده است، تمرکز مقاله بر فرزندکشی توسط پدر و جد پدری است. در این راستا، سیاست جنایی باید میان وضعیت‌های متفاوت، از جمله بارداری ناشی از تجاوز یا بارداری ناخواسته دختران زیر هجده سال، تفکیک قائل شود و حمایت‌های مشاوره‌ای، روان‌شناختی و درمانی را در کنار ملاحظات کیفری مورد توجه قرار دهد. این اشاره به معنای یکسان دانستن ماهیت حقوقی و کیفری سقط جنین و فرزندکشی نیست. بلکه تأکیدی بر ضرورت نگاه سیستمی به سیاست جنایی خانواده است که در آن، حمایت از حیات کودک پیش و پس از تولد، در چارچوبی هماهنگ دنبال شود.

در سطح تقنینی، با توجه به ایرادات وارد بر ماده ۳۰۱، از جمله عدم تناسب و ضعف بازدارندگی، اصلاح صریح آن توسط مجلس پیشنهاد می‌شود. در وضعیت حقوقی موجود، با توجه به اطلاق ماده ۳۰۱ و دیدگاه مشهور فقه امامیه درباره معافیت پدر از قصاص، اعمال قصاص در مواردی مانند سبق تصمیم یا انگیزه شخصی، صرفاً دیدگاهی فقهی و اقلیت است و نیازمند اصلاح صریح قانون است؛ بنابراین تفسیر قضایی نباید به تغییر دامنه حکم برخلاف نص منجر شود. مقصود از تفسیر مضیق در این پژوهش، استفاده از ظرفیت‌های قانونی موجود، از جمله توجه به انگیزه و شرایط خاص قتل، برای اعمال حداکثر مجازات تعزیری است، نه توسعه حکم قصاص.

بر این اساس، پیشنهاد عملی پژوهش، تشدید پاسخ تعزیری از طریق اصلاح قانون است. به‌گونه‌ای که حداقل مجازات به ۱۰ سال حبس افزایش یابد و در موارد مشدد، از جمله سبق تصمیم، انگیزه ناموسی یا مالی و قتل چند فرزند، حبس طویل‌مدت و در شدیدترین موارد حبس ابد پیش‌بینی شود. حبس ابد باید استثنایی و محدود به مواردی باشد که عوامل مشدد، مانند سن پایین قربانی، تعدد قربانیان، سبق تصمیم و انگیزه خاص، در کنار یکدیگر وجود داشته باشند تا ضمن رعایت تناسب جرم و کیفر، از توسعه بی‌ضابطه مجازات حبس جلوگیری شود.

برخی دیدگاه‌های فقهی، از جمله نظر شیخ طوسی درباره امکان اعمال مجازات شدیدتر در وضعیت‌های خاص، نیز مؤید آن است که تشدید پاسخ کیفری در موارد استثنایی الزاماً با مبانی فقهی بیگانه نیست (قادری چرمهینی و همکاران، ۱۳۹٦: ٤). در کنار اصلاح ماده ۳۰۱، جرم‌انگاری غفلت عاطفی مزمن و سهل‌انگاری مستمر در نظارت بر کودک نیز می‌تواند، پس از مطالعات

تکمیلی، به‌عنوان پیشنهادی مقدماتی مورد بررسی قرار گیرد. مقصود، رفتارهایی مانند طرد عاطفی، عدم تأمین امنیت روانی و بی‌توجهی مستمر به رفتارهای پرخطر کودک است که می‌تواند زمینه بزه‌دیدگی یا آسیب جدی را فراهم کند.

در سطح رویه قضایی، پیشنهاد پژوهش ایجاد نهاد جدید نیست، بلکه استفاده دقیق‌تر از ظرفیت‌های موجود، به‌ویژه پرونده شخصیت است. مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ ق.آ.د.ک ظرفیت لازم را برای توجه به وضعیت شخصیتی متهم و در موارد مقرر، اطفال و نوجوانان فراهم کرده‌اند. در پرونده‌های فرزندکشی، اجرای دقیق این ظرفیت می‌تواند اطلاعاتی درباره سابقه خشونت خانوادگی، وضعیت روانی و اجتماعی والد، اعتیاد، تعارضات خانوادگی، وضعیت اقتصادی و سابقه کودک‌آزاری فراهم کند و به تعیین متناسب‌تر مجازات تعزیری کمک نماید؛ مشروط بر آنکه عوامل جرم‌شناختی به توجیه‌کننده جرم تبدیل نشوند. از اصلاح قانون نیز تقویت هماهنگی و یکنواختی رویه قضایی ضروری است. این امر می‌تواند در حدود اختیارات قانونی از طریق استفاده از ظرفیت دیوان عالی کشور، تدوین رویه‌های راهنما و تقویت نظارت بر استدلال و تعیین کیفر، با همکاری معاونت حقوقی قوه قضائیه و مراکز علمی دنبال شود.

در بعد پیشگیری و اصلاحات ساختاری، افزون بر پیشنهاد نهاد غیرنظامی «ناوران کودک» (مبتنی بر مواد ۲۹ و ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری، با وظایف شناسایی، غربالگری، ثبت و پیگیری موارد کودک‌آزاری، نظارت بر رفع خطر، هماهنگی با بهزیستی و اورژانس اجتماعی، ارجاع به خدمات مشاوره‌ای و حمایت‌های مالی–روان‌شناختی، آموزش پیشگیرانه و گزارش‌دهی مستند بدون اختیار بازداشت، تفتیش یا تعقیب کیفری)، بهره‌گیری از مدل‌های اثبات‌شده والدگری نیز ضروری است؛ از جمله برنامه گروهی «ای‌سی‌تی» (ACT) که با هزینه پایین، خشونت در خانه و جامعه را هدف می‌گیرد. همچنین مدل‌های حمایت عینی مانند «مرکز منابع خانواده» و «پاسخ جامعه» با ارائه خدمات داوطلبانه، مدیریت مورد و حمایت اقتصادی، از بازدرگیری نظام حمایت از کودک می‌کاهند (Altafim, 1402). بااین‌حال، انتقال مستقیم این مدل‌ها به بافت جمع‌گرای ایران نیازمند انطباق فرهنگی است. بومی‌سازی محتوا، زبان و فرایند جذب مشارکت، مشارکت خانواده‌ها را تا ۴۰ درصد افزایش می‌دهد، اما حذف مؤلفه‌های هسته‌ای برای سازگاری ظاهری، کارآمدی را تضعیف می‌کند (Kumpfer, 1396). در جوامع شرم‌محور، رویکرد مشارکتی و رابطه‌محور باید جایگزین عمل واکنشی صرفاً ریسک‌محور شود (Al Saadoon, 1399؛Bekaert, 1400). گزارش‌های مستند نهاد ناوران پیشنهادی می‌تواند مبنای مداخله سریع دادستان گردد. این سازوکار، برخلاف اورژانس اجتماعی (که به بحران‌های بالفعل پاسخ می‌دهد)، بهزیستی (فاقد نقش قضایی مستمر) و ضابطان (با کارکرد انتظامی–کیفری)، حلقه مفقود میان نظام حمایتی و عدالت کیفری را با شناسایی زودهنگام و پیگیری مستمر پر کرده و از تشدید خشونت و تبدیل کودک‌آزاری به فرزندکشی پیشگیری می‌کند. الگوی اصلاحی بر تلفیق پیشگیری خانواده‌محور، کشف و گزارش زودهنگام، پاسخ کیفری متناسب، حمایت مستمر از کودک و پایش سیاست جنایی استوار است؛ به‌گونه‌ای که اصلاح ماده ۳۰۱ و تشدید هدفمند تعزیر، با مداخلات اجتماعی و حمایتی همراه شود.

جدول ۲– راهکار، نهاد متولی و ضمانت اجرای الگوی پیشنهادی

راهکار	نهاد متولی	ضمانت اجرا
اصلاح ماده ۳۰۱ ق.م.ا (تفسیر مضیق و تحدید قلمرو معافیت از قصاص)	مجلس شورای اسلامی	تصویب و ابلاغ قانون اصلاحی
تشدید پاسخ تعزیری (از طریق اصلاح ماده ٦١٢ ق.م.ا در موارد مشدد)	مجلس شورای اسلامی	اصلاح ماده ٦١٢ و تدوین دستورالعمل یکپارچه

Accepted | Awaiting Publication | Unedited

تدوین دستورالعمل یکپارچه قضایی (تعیین و تناسب مجازات)	معاونت حقوقی قوه قضائیه	ابلاغ به دادگاه‌های کیفری و دادسراها با هماهنگی آرای وحدت رویه و نظریات مشورتی
تشکیل و بهره‌گیری از پرونده شخصیت	دادگاه‌ها و دادسراها با همکاری مددکاران اجتماعی	پیش‌بینی در مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ ق.آ.د.ک و نظارت بر اجرا
حمایت از کودک بزه‌دیده (نظارت قضایی، جبران خسارت)	سازمان بهزیستی و معاونت اجتماعی قوه قضائیه	تخصیص بودجه و ایجاد سازوکار نظارتی
اقدامات پیشگیرانه (آموزش، غربالگری، اورژانس اجتماعی)	وزارت آموزش و پرورش، سازمان بهزیستی، صدا و سیما	تدوین برنامه جامع و پایش سالانه
ایجاد «ناوران کودک ««(سیاست‌گذاری، هماهنگی، شناسایی، ارجاع)	نهاد پیشنهادی پژوهش با مشارکت دستگاه‌های ذی‌ربط	تصویب قانون و تعیین اختیارات قانونی
پایش و ارزیابی (نظام یکپارچه ثبت و پایش کودک‌آزاری)	»ناوران کودک» و دستگاه‌های همکار	گزارش‌دهی سالانه و ارزیابی مستمر

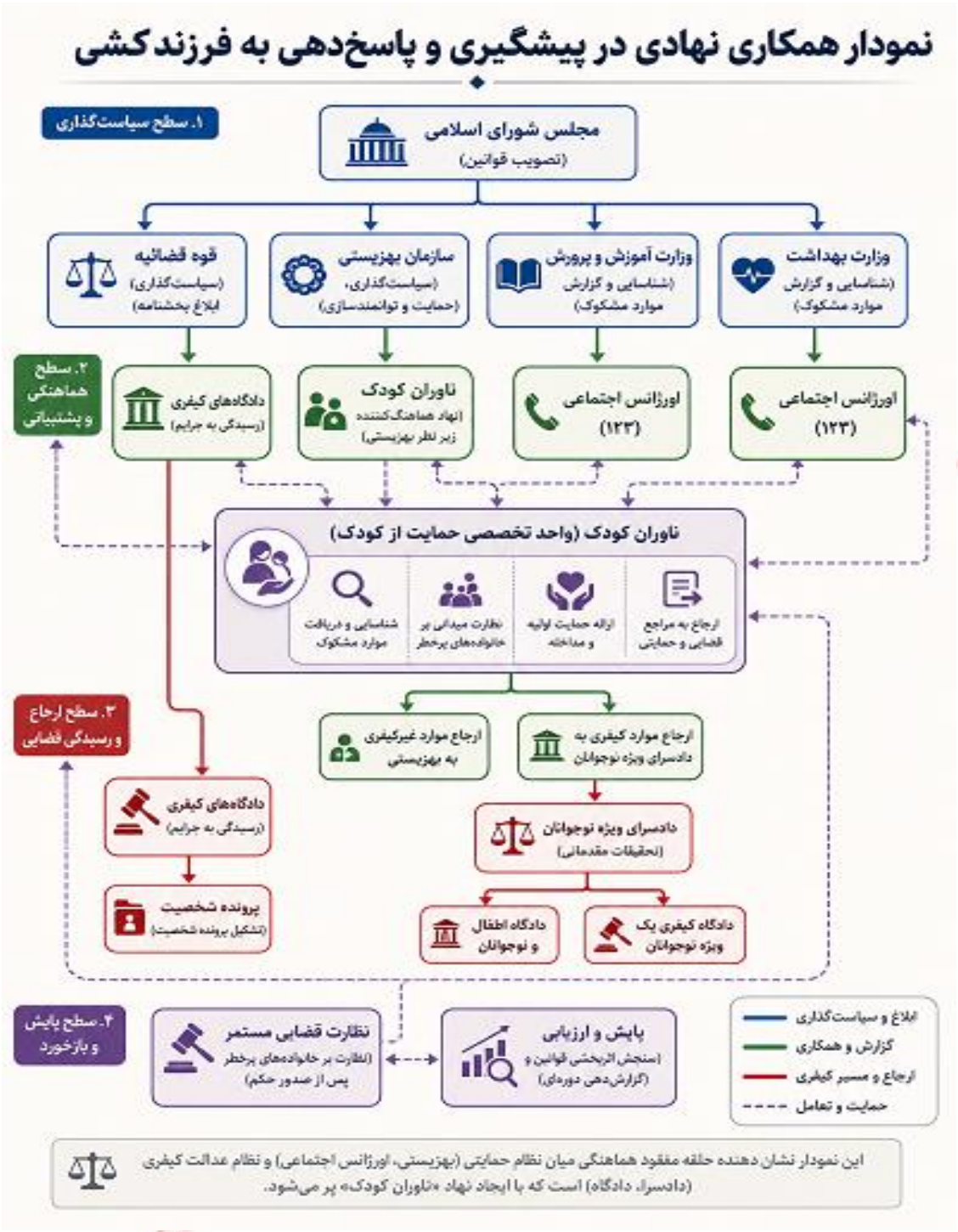
جدول ۳- مقایسه‌ای وضعیت موجود و مطلوب در سیاست جنایی فرزندکشی

لایه	وضعیت کنونی (آسیب‌شناسی)	وضعیت مطلوب (پس از اصلاحات)	راهکار عملی
پیشگیری اولیه	نبود شناسایی خانواده‌های پرخطر؛ فقدان آموزش نظام‌مند والدین	غربالگری مستمر خانواده‌ها؛ آموزش اجباری مهارت‌های فرزندپروری	راه‌اندازی سامانه ملی غربالگری؛ تدوین برنامه آموزشی ملی
کشف و گزارش	ضعف در گزارش‌دهی؛ ناآگاهی معلمان و پزشکان از علائم هشداردهنده	گزارش‌دهی اجباری و سریع؛ آموزش همگانی علائم هشداردهنده	تقویت اورژانس اجتماعی (۱۲۳)؛ برگزاری دوره‌های ضمن‌خدمت برای معلمان و پزشکان
تعقیب و کیفر	معافیت پدر از قصاص؛ مجازات تعزیری در چارچوب ماده ۳۰۱ (۳ تا ۱۰ سال)	تفسیر مضیق ماده ۳۰۱؛ تشدید مجازات تا حبس ابد در موارد مشدد	اصلاح ماده ۳۰۱ و ۶۱۲؛ تدوین دستورالعمل قضایی یکپارچه
حمایت از بزه‌دیده	فقدان نظارت قضایی مستمر؛ عدم جبران خسارت کامل	نظارت مستمر بر خانواده‌های پرخطر؛ جبران خسارت مادی و معنوی	تشکیل پرونده شخصیت (مواد ۲۰۳ و ۲۸۶ ق.آ.د.ک)؛ ایجاد صندوق حمایت از بزه‌دیدگان

پذیرفته شده در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version Unedited

پایش و ارزیابی	عدم ارزیابی اثربخشی قوانین و رویه‌ها	ارزیابی دوره‌ای با شاخص‌های کمی و کیفی	تدوین شاخص‌های عملکردی با همکاری مراکز علمی؛ گزارش‌دهی سالانه

پذیرفته‌شده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری‌نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited


نمودار همکاری نهادی در پیشگیری و پاسخ‌دهی به فرزندکشی
۱. سطح سیاست‌گذاری
مجلس شورای اسلامی
(تصویب قوانین)
قوه قضائیه
(سیاست‌گذاری)
ابلاغ بخشنامه)
سازمان بهزیستی
(سیاست‌گذاری،
حمایت و توانمندسازی)
وزارت آموزش و پرورش
(شناسایی و گزارش
موارد مشکوک)
وزارت بهداشت
(شناسایی و گزارش
موارد مشکوک)
۲. سطح
حمایتی
و پشتیبانی
دادگاه‌های کیفری
(رسیدگی به جرایم)
ناوران کودک
(نهاد هماهنگ‌کننده
زیر نظر بهزیستی)
اورژانس اجتماعی
(۱۲۳)
اورژانس اجتماعی
(۱۲۳)
ناوران کودک (واحد تخصصی حمایت از کودک)
شناسایی و دریافت
موارد مشکوک
نظارت میدانی بر
خانواده‌های پرخطر
ارائه حمایت اولیه
و مداخله
ارجاع به مراجع
قضایی و حمایتی
۳. سطح ارجاع
و رسیدگی قضایی
ارجاع موارد غیرکیفری
به بهزیستی
ارجاع موارد کیفری به
دادسرای ویژه نوجوانان
دادگاه‌های کیفری
(رسیدگی به جرایم)
دادسرای ویژه نوجوانان
(تحقیقات مقدماتی)
پرونده شخصیت
(تشکیل پرونده شخصیت)
دادگاه اطفال
و نوجوانان
دادگاه کیفری یک
ویژه نوجوانان
۴. سطح پایش
و بازخورد
نظارت قضایی مستمر
(نظارت بر خانواده‌های پرخطر
پس از صدور حکم)
پایش و ارزیابی
(سنجش اثربخشی قوانین و
گزارش‌دهی دوره‌ای)
ابلاغ و سیاست‌گذاری
گزارش و همکاری
ارجاع و مسیر کیفری
حمایت و تعامل
این نمودار نشان دهنده حلقه مفقود هماهنگی میان نظام حمایتی (بهزیستی، اورژانس اجتماعی) و نظام عدالت کیفری
(دادسرا، دادگاه) است که با ایجاد نهاد «ناوران کودک» پر می‌شود.

۵. نتیجه‌گیری: پژوهش حاضر با هدف تحلیل جرم‌شناختی فرزندکشی و نقد نظام‌مند سیاست جنایی ایران انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که سیاست جنایی ایران در سه سطح با نارسایی‌های بنیادینی مواجه می‌باشد: در سطح تقنینی، ماده ۳۰۱ با سلب قصاص و اتکای پاسخ کیفری به تعزیر (البته در کنار محدودیت‌های ماده ٦١٢)، حمایت کیفری کامل را از کودک برداشته و آن را با چالش مواجه ساخته که از منظر استانداردهای بین‌المللی (به‌ویژه ماده ٦ کنوانسیون حقوق کودک) محل تأمل جدی است. در سطح قضایی، محدودیت‌های قانونی و فقدان سازوکارهای کافی برای هماهنگ‌ساختن پاسخ قضایی، منجر به پراکندگی آراء و ناهماهنگی و نابرابری احکام انجامیده است. در هشت پرونده شاخص بررسی‌شده، تفاوت در میزان مجازات تعزیری (از ۸ سال حبس در پرونده فاطمه سلطانی تا ۱۰ سال حبس در پرونده پل کابلی مشهد و سایر موارد)، الگوی یکپارچه ای ملاحظه نمی‌شود. در سطح ساختاری نیز به نظر می‌رسد رویکرد واکنشی بر پیشگیرانه غلبه داشته و مداخلات زودهنگام و حمایت از خانواده‌های در معرض خطر کم‌رنگ شده است.

از منظر جرم‌شناختی، فرزندکشی حاصل یک عامل به تنهایی محسوب نمی‌شود. بلکه نقطه پایانی یک «زنجیره بزه‌دیدگی» و تعامل هم‌افزای عوامل فردی، خانوادگی و فرهنگی–اجتماعی است. این یافته، بر «مدل تعاملی سه‌سطحی» استوار است که در آن، عوامل فوق به‌صورت چندلایه عمل می‌کنند و لذا تحلیل‌های تک‌عاملی ناکافی است. این عوامل، بدون «تداخل معافیت قانونی پدر از قصاص» با «فقدان مسئولیت کیفری ناشی از اختلالات روانی»، ضرورت اتخاذ رویکردی تلفیقی را نمایان می‌سازد.

نوآوری مقاله، ارائه چارچوب تحلیلی سه‌وجهی (جرم‌شناختی، حقوقی و اصلاحی) و پیوند آن با «الگوی پنج‌لایه» (پیشگیری اولیه، کشف و گزارش، تعقیب و کیفر، حمایت از بزه‌دیده و پایش و ارزیابی) است. این الگو در سطح تقنینی، بازنگری ماده ۳۰۱ و تشدید پاسخ تعزیری از طریق اصلاح ماده ٦١٢؛ در سطح قضایی، هماهنگ‌سازی رویه و تشکیل پرونده شخصیت؛ و در سطح ساختاری، تقویت اقدامات پیشگیرانه و حمایتی را دنبال می‌کند.

یافته تحلیلی مهم دیگر، آشکارسازی یک «پارادوکس ساختاری» در سیاست جنایی ایران است: از یک سو، گفتمان جهانی حقوق بشر بر «الغای اعدام» و توقف اجرای قصاص تأکید می‌کند و از سوی دیگر، منتقدان معافیت پدر، بر «حق حیات کودک» و «برابری در حمایت قانونی» پای می‌فشارند. نتیجه این تناقض، یک سیاست جنایی دوگانه است که هم مرتکبان غیرپدر را به قصاص محکوم می‌کند و هم پدران را از مجازات متناسب معاف می‌دارد. این تناقض نیز به ضرورت بازنگری هم‌زمان در هر دو سطح دامن می‌زند.

این پژوهش با محدودیت‌هایی از جمله عدم دسترسی به آمار دقیق و به‌روز، متن کامل برخی آرای قضایی و داده‌های میدانی مواجه بوده است. ازاین‌رو، یافته‌های مربوط به رویه قضایی ناظر به نمونه‌های قابل دسترس بوده و تعمیم آنها به کل رویه قضایی محل احتیاط است. این محدودیت‌ها از اعتبار تحلیل اسنادی نمی‌کاهند بلکه مرز تعمیم یافته‌ها را مشخص می‌کنند.

در نهایت، به نظر می‌رسد حمایت مؤثر از کودک نه با تشدید مجازات (به‌تنهایی) حاصل می‌شود و نه با اتکای صرف به مداخلات اجتماعی. بلکه مستلزم سیاست جنایی تلفیقی و هماهنگ میان خانواده، نظام عدالت کیفری و نهادهای حمایتی است. دستاورد اصلی این پژوهش، ارائه یک الگوی عملیاتی و بومی برای تقویت حمایت کیفری از کودکان است که با اصلاح هم‌زمان قانون، رویه و ساختار و با تکیه بر نهاد هماهنگ‌کننده «ناوران کودک»، (پیشنهادی نویسندگان) می‌تواند از تکرار فاجعه‌هایی مانند مصادیق بیان شده از قبیل رومینا اشرفی و پل کابلی مشهد پیشگیری کند.

پذیرفته شده در انتظار انتشار | نسخه ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

جدول ٤- خلاصه پیشنهادهای اصلاحی

محور	پیشنهاد	نهاد متولی/مجری
تقنینی	اصلاح ماده ۳۰۱ ق.م.ا و محدودسازی دامنه معافیت از قصاص؛ تشدید پاسخ تعزیری در موارد مشدد (سبق تصمیم، انگیزه ناموسی یا مالی، قتل چند فرزند)؛ پیش‌بینی حبس طویل‌مدت و در موارد استثنایی حبس ابد	مجلس شورای اسلامی
قضایی	تدوین دستورالعمل واحد برای تعیین و تناسب مجازات؛ تشکیل و بررسی نظام‌مند پرونده شخصیت (مواد ۲۰۳ و ۲۸٦ ق.آ.د.ک)؛ ایجاد سامانه پایش آرای فرزندکشی برای هماهنگ‌سازی رویه	قوه قضائیه و مراجع قضایی
پیشگیرانه	شناسایی، غربالگری و ارجاع خانواده‌های در معرض خطر؛ تقویت اورژانس اجتماعی (۱۲۳) برای مداخله، ارجاع و پیگیری؛ راه‌اندازی سامانه ملی غربالگری خانواده‌های پرخطر	بهزیستی، وزارت بهداشت و نهادهای ذی‌ربط
حمایتی	حمایت مستمر روان‌شناختی، اجتماعی و درمانی از کودکان در معرض خطر؛ جبران خسارت کودکان بزه‌دیده و بازماندگان؛ ایجاد صندوق حمایت از بزه‌دیدگان	بهزیستی، وزارت بهداشت، قوه قضائیه و نهادهای حمایتی
آموزشی (بدو خدمت)	گنجاندن آموزش حقوق کودک، نشانه‌های خشونت و بزه‌دیدگی، و مهارت‌های ارتباط با کودکان آسیب‌دیده در دوره‌های کارآموزی قضات	قوه قضائیه (معاونت آموزش) و مرکز آموزش قوه قضائیه
آموزشی (ضمن‌خدمت)	برگزاری دوره‌های تخصصی و مستمر برای قضات، پزشکان، مددکاران و معلمان در زمینه شناسایی علائم هشداردهنده، ارجاع و مداخله؛ آموزش خودمراقبتی به کودکان	آموزش‌وپرورش، قوه قضائیه، وزارت بهداشت و دستگاه‌های تخصصی
سیاست‌گذاری و هماهنگی	ایجاد «ناوران کودک» برای سیاست‌گذاری، هماهنگی، شناسایی، ارجاع و حمایت از کودکان در معرض خطر و بزه‌دیدگی؛ تعیین متولی واحد برای پیگیری پرونده‌های کودک‌آزاری	نهاد پیشنهادی پژوهش با مشارکت دستگاه‌های ذی‌ربط
پایش و ارزیابی	ایجاد نظام یکپارچه ثبت و پایش کودک‌آزاری و خشونت خانوادگی؛ ارزیابی مستمر اثربخشی مداخلات با رعایت محرمانگی؛ انتشار سالانه گزارش تحلیلی	«ناوران کودک» و دستگاه‌های همکار
اجتماعی	آگاهی‌بخشی برای کاهش خشونت خانوادگی، برچسب‌زنی و عادی‌سازی اقتدار خشونت‌آمیز والدینی؛ تولید محتوای آموزشی رسانه‌ای	بهزیستی، آموزش‌وپرورش و رسانه‌ها

پذیرفته شده در انتظار انتشار | ویراستاری نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

اقتصادی–اجتماعی	تقویت حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی از خانواده‌های آسیب‌پذیر به‌عنوان پیشگیری اولیه از خشونت علیه کودکان؛ ارائه بسته‌های حمایتی هدفمند	وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و نهادهای حمایتی

پذیرفته‌شده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری‌نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتب

۱. قرآن کریم.
۲. قانون آیین دادرسی کیفری. (۱۳۹۲).
۳. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان. (۱۳۹۹).
٤. قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت. (١٤٠٠).
٥. قانون مجازات اسلامی. (۱۳۹۲).
٦. قانون مجازات اسلامی (تعزیرات).
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق (جلدهای ۲ و ٤). تهران: گنج دانش.
۸. صادقی، محمدهادی. (۱۳۸۹). حقوق جزای اختصاصی: جرایم علیه اشخاص (جلد ۱). تهران: میزان.
۹. صانعی، یوسف. (۱۳۸۷). مجمع المسائل استفتائات (جلد ۳). قم: نشر میزان تمار.
۱۰. فیروزبخت، مهرداد. (۱۳۹۹). کودک‌آزاری و غفلت عاطفی: ریشه‌ها، پیامدها و راهکارها. تهران: نشر میزان.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸). الکافی (جلد ٥). تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷٦). استفتائات جدید (جلد ٤). قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع).
۱۳. منتظری، حسینعلی. (١٤٢٧ق). دراسات فی ولایة الفقیه (جلد ۱). قم: نشر سرایی.
۱٤. میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۸۹). حقوق کیفری اختصاصی: جرایم علیه اشخاص. تهران: میزان.

مقالات علمی

۱٥. آقابابایی بنی، اسماعیل. (١٤٠٣). واکاوی فقهی–حقوقی صدور جواز سقط جنین؛ تحلیل ماده ٥٦ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت. پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، دوره ۱۲، شماره ۳، ۱۰۱–۱۲۱
۱٦. احمدی، احمد و ضیا، راشین. (۱۳۹۹). بررسی فقهی و حقوقی فرزندکشی با نگاهی به آموزه‌های قرآنی. مطالعات قرآنی (علوم قرآن و حدیث)، ۱۱(٤۲)، ٤۰۰–۳۷٥.
۱۷. احمدی، میثم؛ احمدی، ابوذر و مرزیه، زهرا. (١٤٠١). تسری حکم عدم قصاص پدر در قتل فرزند به جد پدری در بوته نقد. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی چالش‌ها و راهکارهای تعالی نهاد خانواده در مذاهب اسلامی با محوریت آسیب‌های اجتماعی، ۲۳۰۹–۲۳۲٦.
۱۸. اسحاقی، محمد. (۱۳۸۸). مجازات فرزندکشی از دیدگاه قرآن. پژوهش دینی، (۱۸)، ۳۳–٥۰.
۱۹. پاک‌نژاد، علیرضا. (١٤٠٠). نقد مجازات قتل فرزند توسط پدر در قانون ایران. تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق، ۱(۳)، ۷٥–۸۷.
۲۰. چراغی کوتیانی، اسماعیل و سقای بی‌ریا، محمدجواد. (١٤٠٤). بررسی انتقادی انگیزه‌های فرزندکشی جاهلی و سقط جنین مدرن بر پایه آیات قرآن و روایات. معرفت فرهنگی اجتماعی، ١٦(٤)، ۹٥–١١٤.
۲۱. حاصلی، آرزو؛ رهنجات، نسرین و رسوال، دارا. (١٤٠٣). دلایل سقط جنین ناایمن در ایران پس از تغییرات سیاست‌های تشویق فرزندآوری: یک مطالعه کیفی. مجله تخصصی بین‌المللی سلامت باروری، ۲۱، ۱۸۲.
۲۲. حیدری پیدنی، شهرام. (١٤٠٠). چالش‌ها و رویکردهای ق.م.ا در مورد قتل فرزند دختر توسط پدر. علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم، ۲(۱)، ٦۲٦–٦۳٥.
۲۳. رادمان، امین؛ منتظری، محمدمهدی؛ پورقاسمی، رضا و مریدپور، سپهر. (١٤٠٤). تحلیل فقهی و کیفری امکان قصاص پدر در فرزندکشی با استناد به اصل مصلحت عمومی و تأثیر آن بر بازدارندگی در حقوق کیفری ایران. مطالعات حقوق و علوم قضایی، ۲(٤)، ۲۰۰–۲۲٥.
۲٤. رهنما، لیلا. (١٤٠٣). بازنمایی رسانه‌ای فرزندکشی توسط پدر و مطالبه‌گری در زمینه ضرورت بازنگری حکم قانونی، مجله پژوهش‌های حقوقی، ۲۳، ۵۸، ٤۰٥.
۲٥. ساکت، محمدحسین. (١٤٠٤). نگاهی نو به کیفری کهن: تعزیر. دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۲(۳)، ۲٦۳–۲۷٦. https://doi.org/10.22034/jclc.2025.720962
۲٦. شفیق اسکی، محمد و گودرزوند چگینی، محبوبه. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی انتفای ابوت در ثبوت قصاص از دیدگاه فقهای امامیه و عامه. مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ٤(٤)، ۱–۱۰.
۲۷. صبوری‌پور، مهدی و حقی‌بین، فائزه. (١٤٠٠). نوآوری‌ها و چالش‌های قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در پیشگیری از کودک‌آزاری. پژوهش‌های حقوقی، ۲۰(٥٤)، ۱–۹.
۲۸. گلدوزیان، حسین. (١٤٠٤). کشف سوء استفاده جنسی از طریق کنشگر کردن افراد جامعه. دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۲(٤)، ٤۳۲. https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2051662.1156

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version Updated

۲۹. عبدی، ابوذر و صلح‌پی، محمدعلی. (۱٤۰۳). حقوق کودکان از منظر اسناد مرتبط با حقوق بشردوستانه بین‌المللی. دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی، ۱(۲)، ۳۳۷-۳٦۹. https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.2042429.1113

۳۰. غنی‌زاده، مهدیه و جباری، مصطفی. (۱٤۰٤). تأملی در معافیت پدر از قصاص فرزندکشی بر مبانی نگاه انسان معاصر به جایگاه فرزند و حقوق او. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۸(۱)، ۱-٦۲.

۳۱. فرداد، طوبی. (۱٤۰۲). فرزندکشی قبل از اسلام در جزیرهٔ العرب از منظر قرآن و متون تاریخی. حبل المتین، ۱۱(٤۲ و ٤۳)، ۲۵-۵۰.

۳۲. قادری چرمهینی، فاطمه؛ هادیان، مهدی و هادیان، حامد. (۱۳۹٦). تأملی در باب مجازات پدر و مادر در قتل فرزند از منظر فقهی-حقوقی. کنفرانس سالانه پژوهش های حقوقی و قضای، ۱، ٦.

۳۳. کفائی جلال‌زاده، المیرا سادات. (۱٤۰۱). مطالعه فرزندکشی در حقوق کیفری انگلستان. علوم انسانی و اسلامی در هزاره سوم، ٦(۲)، ۲۰۹-۲۲۳.

۳٤. کوشا، جعفر و رجب‌زاده، جواد. (۱٤۰٤). ویژگی‌های سیاست جنایی مطلوب در نظام اداری. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، ۳۰(۱۱۰)، ۱-۲۸.

۳۵. کوشا، جعفر؛ چاووشی، محمدصادق و مهدوی ثابت، محمدعلی. (۱٤۰٤). نقش آموزه‌های فقهی، حقوقی و جرم‌شناختی در تضمین حق حیات. فصلنامه پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۳(۷)، ۱-۲٦.

۳٦. کیومرثی، هانیه؛ محسنی، رضاعلی و نجفی توانا، علی. (۱٤۰۰). رویکرد جامعه‌شناسی کیفری به پدیده فرزندکشی. کارآگاه، ۱۵(۵۷)، ۱۱۳-۱۲۷.

۳۷. مرادزاده، احسان؛ گلی شیردار، محمدحسن و نقیبی، سیدابوالقاسم. (۱۳۹۹). مطالعه تطبیقی مجازات فرزندکشی در فقه اسلامی. مبانی فقهی حقوق اسلامی، ۱۳(۲٦)، ۱۹۵-۲۱۸.

۳۸. نورالدینی، حسین و پاوند، محمدحسین. (۱٤۰٤). جرم‌شناسی فرهنگی فرزندکشی از دیدگاه فقه مذاهب خمسه و حقوق کیفری ایران. مطالعات فقه و حقوق فرهنگی، ۲(۱)، ۲٦٤-۲۸۲.

۳۹. وجدانی فخر، طلیعه و الهی‌منش، محمدرضا. (۱٤۰۱). قصاص در جنایات: نمونه موردی ماده ۳۰۱ ق.م.ا. مجله حقوقی دادگستری، ۸٦(۱۱۸)، ۱-۱۰.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد

٤۰. صیاد، سهیلا. (۱۳۹٤). بزه‌دیدگی کودکان از منظر جرم‌شناسی و حقوق جزا (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.

ب) منابع انگلیسی و بین‌المللی

41. Aksu, Z. S. (2025). A comparison of the regulation of the crime of killing a newborn in the old and new Turkish Penal Codes and the Italian Penal Code. Iura & Legal Systems, XII(2025/1), C(7), 97–107.
42. Alkhawari, M., Ali, K., Al-Abdul Razzaq, F., Saleheen, H. N., Almuneef, M., & Al-Eissa, M. A. (2020). Multidimensional model to assess the readiness of Kuwait to implement evidence-based child maltreatment prevention programs at a national level. Public Health, 181, 182–188. https://doi.org/10.1016/j.puhe.2020.01.005
43. Altafim, E. R. P., Magalhães, C., & Linhares, M. B. M. (2024). Prevention of child maltreatment: Integrative review of findings from an evidence-based parenting program. Trauma, Violence, & Abuse, 25(3), 1938–1953. https://doi.org/10.1177/15248380231201811
44. Bekaert, S., Paavilainen, E., Schecke, H., Baldacchino, A., Jouet, E., Zabłocka-Żytka, L., ... & Appleton, J. V. (2021). Family members' perspectives of child protection services, a metasynthesis of the literature. Children and Youth Services Review, 128, 106094. https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2021.106094
45. Cambridge Pro-Bono Project. (2024). An update on the law of infanticide: A review of cases over the past *20 years*. Doughty Street Chambers.
46. Convention on the Rights of the Child. (1989). United Nations General Assembly.
47. French Penal Code, Article 221-4 (Murder of a minor under 15). (1994). Legifrance.
48. Infanticide Act 1938 (1 & 2 Geo. 6 c. 36). (1938). UK Parliament.
49. Kumpfer, K. L., Alvarado, R., Smith, P., & Bellamy, N. (2002). Cultural sensitivity and adaptation in family-based prevention interventions. *Prevention Science*, 3(3), 241–246. https://doi.org/10.1023/A:1019902902119
50. Resnick, P. J. (1969). Child murder by parents: A psychiatric review of filicide. *American Journal of Psychiatry*, 126(3), 325–334. https://doi.org/10.1176/ajp.126.3.325
51. Swiss Criminal Code (SR 311.0), Art. 116 (Infanticide). (1937). Federal Assembly of the Swiss Confederation.
52. Texas Penal Code, Title 5, Chapter 19, § 19.03 (Capital murder; victim under 10). (2023). Texas Legislature.
53. Turkish Penal Code No. 5237. (2005). Official Gazette of Turkey, Art. 82(1) (d), (e).

ج) منابع عربی

٥٤. وزارة العدل الكويتية. (۲۰۲۵، ۲۷ مارس). إلغاء نص المادة ۱۵۳ من قانون الجزاء.

٥٥. دولة الكويت. (۲۰۲۵، ۱۸ مايو). مرسوم بقانون رقم ۷۰ لسنة ۲۰۲۵ بإلغاء نص المادتين (۱۵۹) و(۱۸۲) من قانون الجزاء الصادر بالقانون رقم (۱٦) لسنة ۱۹٦۰.

٥٦. وكالة الأنباء الكويتية (كونا). (۲۰۲۵، ۱۸ مايو). صدور مرسوم بقانون بإلغاء نص المادتين ۱۵۹ و۱۸۲ من قانون الجزاء.

References:

1. Abdi, A., & Solhchi, M. A. (2025). The international humanitarian rights of children in war: A legal overview. *Journal of Research and Development in Public Law*, 1(2), 337-369. https://doi.org/10.22034/jrpl.2025.2042429.1113 (in Persian)

2. Ahmadi, A., & Zia, R. (2020). Jurisprudential and legal study of filicide with a look at Quranic teachings. *Quranic Studies (Quran and Hadith Sciences)*, 11(42), 375-400. (in Persian)

3. Ahmadi, M., Ahmadi, A., & Marzieh, Z. (2022). Critique of the extension of the ruling on non-retaliation of the father in the murder of a child to the paternal grandfather. *Proceedings of the First National Conference on Challenges and Solutions for the Excellence of the Family Institution in Islamic Denominations with a Focus on Social Harms*, 2309-2326. (in Persian)

4. Aksu, Z. S. (2025). A comparison of the regulation of the crime of killing a newborn in the old and new Turkish Penal Codes and the Italian Penal Code. *Iura & Legal Systems*, XII(2025/1), C(7), 97–107.

5. Alkhawari, M., Ali, K., Al-Abdul Razzaq, F., Saleheen, H. N., Almuneef, M., & Al-Eissa, M. A. (2020). Multidimensional model to assess the readiness of Kuwait to implement evidence-based child maltreatment prevention programs at a national level. *Public Health*, 181, 182–188.

6. Altafim, E. R. P., Magalhães, C., & Linhares, M. B. M. (2024). Prevention of child maltreatment: Integrative review of findings from an evidence-based parenting program. *Trauma, Violence, & Abuse*, 25(3), 1938–1953.

7. Aqababaei Bani, I. (2023). Jurisprudential-legal analysis of the issuance of abortion permits; Analysis of Article 56 of the Family Protection and Youth Population Law. *Scientific Journal of the Ministry of Science*. (in Persian)

8. Bekaert, S., Paavilainen, E., Schecke, H., Baldacchino, A., Jouet, E., Zabłocka-Żytka, L., ... & Appleton, J. V. (2021). Family members' perspectives of child protection services, a metasynthesis of the literature. *Children and Youth Services Review*, 128, 106094.

9. Cambridge Pro-Bono Project. (2024). *An update on the law of infanticide: A review of cases over the past 20 years*. Doughty Street Chambers.

10. Cheraghi Kootinani, E., & Saqaei Biria, M. J. (2025). Critical review of the motives of pre-Islamic filicide and modern abortion based on Quranic verses and traditions. *Cultural-Social Knowledge*, 16(4), 95-114. (in Persian)

11. Convention on the Rights of the Child. (1989). United Nations General Assembly.

12. Fardad, T. (2023). Filicide before Islam in the Arabian Peninsula from the perspective of the Quran and historical texts. *Habl al-Matin*, 11(42 & 43), 25-50. (in Persian)

13. Firouzbakht, M. (2020). *Child abuse and emotional neglect: Roots, consequences, and solutions*. Tehran: Mizan. (in Persian)

14. French Penal Code, Article 221-4 (Murder of a minor under 15). (1994). Legifrance.

15. Ghadri Chermahini, F., Hadian, M., & Hadian, H. (2017). Reflection on the punishment of parents in the murder of a child from a jurisprudential-legal perspective. *Annual Conference*. (in Persian)

16. Ghanizadeh, M., & Jabbari, M. (2025). Reflection on the exemption of the father from retaliation for filicide based on the foundations of the contemporary human view of the child's status and rights. *Jurisprudence and Foundations of Islamic Law*, 58(1), 1-62. (in Persian)

17. Goldouzian, H. (2025). Facilitating the detection of child sexual abuse by mobilizing society members: A socio-legal analysis. *Journal of Research and Development in Criminal Law and Criminology*, 2(4), 1-28. https://doi.org/10.22034/jclc.2025.2051662.1156 (in Persian)

18. Hasali, A., Rahnajat, N., & Rasoul, D. (2024). Reasons for unsafe abortion in Iran after changes in childbearing encouragement policies: A qualitative study. *International Journal of Reproductive Health*, 21, 182. (in Persian)

19. Heydari Pidni, S. (2021). Challenges and approaches of the Islamic Penal Code regarding the murder of a daughter by the father. *Humanities and Islamic Studies in the Third Millennium*, 2(1), 626-635. (in Persian)

20. Infanticide Act 1938 (1 & 2 Geo. 6 c. 36). (1938). UK Parliament.

21. Jafari Langroudi, M. J. (2009). *Extensive in legal terminology* (Vols. 2 & 4). Tehran: Ganj-e-Danesh. (in Persian)

22. Kafaei Jalalzadeh, E. S. (2022). Study of filicide in English criminal law. *Humanities and Islamic Studies in the Third Millennium*, 6(2), 209-223. (in Persian)

23. Kulayni, M. Y. (2009). *Al-Kafi* (Vol. 5). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. (in Persian)

24. Kousha, J., & Rajabzadeh, J. (2025). Characteristics of optimal criminal policy in the administrative system. *Journal of Judicial Legal Perspectives*, 30(110), 1-28. (in Persian)

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version Unedited

25. Kousha, J., Chavoshi, M. S., & Mahdavi Thabet, M. A. (2025). The role of jurisprudential, legal, and criminological teachings in guaranteeing the right to life. *Journal of Applied Criminology Research*, 3(7), 1-26. (in Persian)

26. Kumpfer, K. L., Alvarado, R., Smith, P., & Bellamy, N. (2002). Cultural sensitivity and adaptation in family-based prevention interventions. *Prevention Science*, 3(3), 241–246.

27. Kiumarsi, H., Mohseni, R. A., & Najafi Tavana, A. (2021). A criminological-sociological approach to the phenomenon of filicide. *Detective*, 15(57), 113-127. (in Persian)

28. Makarem Shirazi, N. (1997). *New inquiries* (Vol. 4). Qom: Imam Ali ibn Abi Talib School. (in Persian)

29. Mir Mohammad Sadeghi, H. (2010). *Special criminal law: Crimes against persons*. Tehran: Mizan. (in Persian)

30. Montazeri, H. A. (1427 AH). *Studies in the Guardianship of the Jurist* (Vol. 1). Qom: Sarai Publications. (in Arabic)

31. Moradzadeh, E., Goli Shirdar, M. H., & Naghibi, S. A. (2020). Comparative study of the punishment of filicide in Islamic jurisprudence. *Jurisprudential Foundations of Islamic Law*, 13(26), 195-218. (in Persian)

32. Nouroldini, H., & Pavand, M. H. (2025). Cultural criminology of filicide from the perspective of the jurisprudence of the five schools and Iranian criminal law. *Studies in Jurisprudence and Cultural Law*, 2(1), 264-282. (in Persian)

33. Paknejad, A. (2021). Critique of the punishment for patricide in Iranian law. *New Interdisciplinary Legal Research*, 1(3), 75-87. (in Persian)

34. Qadri Chermahini, F., Hadian, M., & Hadian, H. (2017). Reflection on the punishment of parents in the murder of a child from a jurisprudential-legal perspective. *Annual Conference*. (in Persian)

35. Rahnama, L. (2024). Media representation of patricide and the demand for the necessity of reviewing the legal ruling. *Legal Research*. (in Persian)

36. Radman, A., Montazeri, M. M., Pourghasemi, R., & Moridpour, S. (2025). Jurisprudential and criminal analysis of the possibility of retaliation of the father in filicide based on the principle of public interest and its impact on deterrence in Iranian criminal law. *Studies in Law and Judicial Sciences*, 2(4), 200-225. (in Persian)

37. Resnick, P. J. (1969). Child murder by parents: A psychiatric review of filicide. *American Journal of Psychiatry*, 126(3), 325–334.

38. Sadeghi, M. H. (2010). *Special criminal law: Crimes against persons* (Vol. 1). Tehran: Mizan. (in Persian)

39. Sanei, Y. (2008). *Collection of issues and inquiries* (Vol. 3). Qom: Mizan Tamar Publications. (in Persian)

40. Shafiq Eskee, M., & Guderzund Chegini, M. (2018). Comparative study of the negation of paternity in the establishment of retaliation from the perspective of Imami and Sunni jurists. *Studies in Political Science, Law and Jurisprudence*, 4(4), 1-10. (in Persian)

41. Sabouri Pour, M., & Haghbin, F. (2021). Innovations and challenges of the Child and Adolescent Protection Law in preventing child abuse. *Legal Research*, 20(54), 1-9. (in Persian)

42. Saket, M. H. (2025). Revisiting an ancient penal concept: A contemporary approach to Ta'zir punishments. *Journal of Research and Development in Criminal Law and Criminology*, 2(3), 263-276. https://doi.org/10.22034/jclc.2025.720962 (in Persian)

43. Sayyad, S. (2015). *Child victimization from the perspective of criminology and criminal law* (Master's thesis). Tehran: Islamic Azad University, Central Tehran Branch. (in Persian)

44. Swiss Criminal Code (SR 311.0), Art. 116 (Infanticide). (1937). Federal Assembly of the Swiss Confederation.

45. Texas Penal Code, Title 5, Chapter 19, § 19.03 (Capital murder; victim under 10). (2023). Texas Legislature.

46. Turkish Penal Code No. 5237. (2005). Official Gazette of Turkey, Art. 82(1) (d), (e).

47. Vojdani Fakhr, T., & Elahi Manesh, M. R. (2022). Retaliation in crimes: Case study of Article 301 of the Islamic Penal Code. *Judicial Law Journal*, 86(118), 1-10. (in Persian)

48. Ministry of Justice of Kuwait. (2025, March 27). *Cancellation of the text of Article 153 of the Penal Code*. (in Arabic)

49. State of Kuwait. (2025, May 18). *Decree-Law No. 70 of 2025 cancelling the text of Articles 159 and 182 of the Penal Code issued by Law No. 16 of 1960*. (in Arabic)

50. Kuwait News Agency (KUNA). (2025, May 18). *Issuance of a decree-law cancelling the text of Articles 159 and 182 of the Penal Code*. (in Arabic)

51. The Holy Quran. (in Arabic)

52. Islamic Penal Code. (2013). Islamic Consultative Assembly. (in Persian)

53. Code of Criminal Procedure. (2013). Islamic Consultative Assembly. (in Persian)

Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited

54. Law on Protection of Children and Adolescents. (2020). Islamic Consultative Assembly. (in Persian)
55. Law on Family Protection and Youth Population. (2021). Islamic Consultative Assembly. (in Persian)
56. Islamic Penal Code (Ta'zirat). (in Persian)

پذیرفته‌شده | در انتظار انتشار | نسخه‌ی اولیه | ویراستاری‌نشده
Accepted | Awaiting Publication | Draft Version | Unedited